

نبرد خلق

ویژه مطالعه روی کامپیوتر، تلفن دستی و ای پاد

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

شماره ۳۸۳، آدینه اول اردیبهشت ۱۳۹۶ - ۲۱ آوریل ۲۰۱۷

سر دبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، لیلا جدیدی، زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: لیلا جدیدی، منصور امان، زینت میرهاشمی، مهدی سامع

در این شماره می خوانید:

- جنایت شیمیایی اسد و بازگشت آمریکا به خاورمیانه - منصور امان ...ص ۲
واکنش ضد انسانی رژیم در برابر جنایت بشار اسد در ادلب - زینت میرهاشمی ...ص ۵
اسد باز کننده درها به روی امپریالیسم و ارتجاع در سوریه - لیلا جدیدی ...ص ۶
بی حقوقی نیروهای کار، قانون همیشگی رژیم - زینت میرهاشمی ...ص ۷
آیا هنوز طبقه کارگر در مرکز استراتژی انقلابی و سوسیالیست قرار دارد؟ - لیلا جدیدی ...ص ۱۰
یک ملاقات، یک تصویر - امید برهانی ...ص ۱۴
کاندیدای یک جنایتکار شناخته شده برای نمایش انتخاباتی - زینت میرهاشمی ...ص ۱۹
از گم‌دلی ثبت نام چه کسی سود می برد؟ - منصور امان ...ص ۲۰
چالشهای معلمان در فروردین ماه (۹۶) - فرنگیس باقره ... ص ۲۱
دانشگاه در ماهی که گذشت (فروردین ۹۶) - کامران عالمی نژاد ...ص ۲۴
کارورزان سلامت (فروردین ۹۶) - امید برهانی ...ص ۲۷
زنان در مسیر رهایی (فروردین ۹۶) - اسد طاهری ...ص ۳۰
ما در جای درست تاریخ ایستاده ایم - گلرخ ابراهیمی ایرانی ...ص ۳۴
حاضریم بمیریم اما برده ظلم نباشم - آتنا دائمی ...ص ۳۵
چشم صادق لاریجانی روشن؛ ویرایش جدید "حقوقهای نجومی" - منصور امان ...ص ۳۷
مناسبات با رژیم ایران را مشروط به رعایت حقوق بشر کنید! - زینت میرهاشمی ...ص ۳۷
روحانی و حراج در کاخ کرملین - لیلا جدیدی ...ص ۳۸
سینا دهقان قربانی حفظ امنیت دزدان دانه درشت - زینت میرهاشمی ...ص ۳۹
رویدادهای هنری ماه (فروردین ۹۶) - فتح الله کیاییها ...ص ۴۰
دستهای آفرینش - م . وحیدی (م . صبح) ...ص ۴۴
بهاران بر عزیزان در بند خجسته باد - فتح الله کیاییها ...ص ۴۴
برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدگیران در فروردین ۱۳۹۶ - زینت میرهاشمی ...ص ۴۵
شهادت فدایی در اردیبهشت ماه ...ص ۵۳
انتشارات تصویری سازمان ...ص ۵۴

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

جنایت شیمیایی اسد و بازگشت آمریکا به خاورمیانه

منصور امان

برای نخستین بار از هنگام شروع جنگ شش ساله سوریه، دولت آمریکا به گونه مستقیم و هدفمند دولت بشار اسد را آماج حمله نظامی خود قرار داد. کاخ سفید این اقدام را واکنش به حمله شیمیایی صورت گرفته در شهرک "خان شیخون" دانست. حمله مزبور همانگونه که انتظار می رفت، با بازتاب گسترده رسانه ای همراه بود و هم پای آن به گمانه زنیهای گوناگونی پیرامون هویت عامل حمله شیمیایی و نیز چرخش در سیاست ایالات متحده در برخورد به آینده سوریه و سرنوشت آقای اسد دامن زد. روی سطح خبرها و نظرها بودن این دو گمانه، یک نگاه نزدیک تر به آنها را خالی از فایده به جا نمی گذارد.

مظنون اصلی

بامداد روز آدینه، ۱۷ فروردین، ۵۹ موشک آمریکایی به یک پایگاه هوایی دولت سوریه در استان حُص به نام "العشیرات" اصابت کردند. منابع روسی از مُنهدم شدن ۶ جت که در آشیانه تعمیرات بوده اند خبر دادند. در مقابل، آمریکا انهدام ۲۰ هواپیمای جنگی را اعلام کرده است.

سازگار با بازتاب حرکت جنجالی آقای ترامپ، به شتاب دو جبهه موافق و مخالف پیرامون آن نیز شکل گرفت. در حالی که یک دسته از مخالفان و منتقدان می گویند مدرکی حاکی از دست داشتن دولت سوریه در حمله شیمیایی وجود ندارد، دسته دیگر در اساس وقوع چنین حمله ای را انکار می کنند.

روشن آن است که با توجه به پیشینه رژیم اسدها در کاربرد چندباره سلاح شیمیایی علیه مردم سوریه و مخالفان خود، مظنون اصلی چنین حملاتی در مرتبه نخست دولت سوریه است. دمشق زرادخانه های عظیمی از این سلاح را دستکم تا پیش از آنکه "خلع سلاح" شیمیایی شود، گردآوری و انبار کرده بود. روشن است که تلاش مادی برای تجهیز به سلاح شیمیایی، پتانسیل و اراده سیاسی استفاده از آن را نقطه عزیمت خود دارد؛ ادعایی که در تابستان ۲۰۱۳ (مرداد ۱۳۹۲) در منطقه "عوطه" به اثبات رسید.

در پی بمباران شیمیایی این منطقه در شرق دمشق، شمار زیادی از ساکنان و نیز مخالفان مسلح جان خود را از دست دادند که تعداد آنها بین ۳۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر گزارش شده است. دولت سوریه ابتدا وقوع حمله شیمیایی را "کذب محض" نامید و سپس آن را به مخالفان نسبت داد؛ یک الگوی تبلیغاتی که در برخورد به جنایت خان شیخون نیز آن را تکرار کرد.

ادعای خلع سلاح شیمیایی

پس از حمله شیمیایی به عوطه و با توافق آمریکا و روسیه، هیاتی بین المللی برای خلع سلاح شیمیایی رژیم اسدها تشکیل شد که در همان سال اعلام کرد تسلیحات شیمیایی سوریه "نابود" شده است؛ ادعایی شتاب آلود که حملات مشابه بعدی تردید در دُرستی آن را تقویت کرد.

سازمان ملل در این میان تایید می کند که دولت سوریه در سالهای ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ به طور محدود از سلاح شیمیایی استفاده کرده است. به موازات این، "سازمان منع کاربرد سلاحهای شیمیایی" (OPCW)، در تابستان سال گذشته اعتراف کرد در این امر که "تمام ذخایر و مواد شیمیایی دولت سوریه نابود شده باشند، تردید وجود دارد".

افزون بر این، آقای اسد به اثبات رسانده است که برای حفظ خود در قدرت، پروایی از استفاده از روشهایی که در طبقه بندی جنایت جنگی قرار می گیرند، ندارد. در کارنامه دولت سوریه گذشته از کاربرد جنگ افزار شیمیایی، تاکتیکهای معمول دیگری همچون محاصره و به قحطی کشاندن اهالی شهرها و روستاها، بمباران غیرنظامیان و مناطق پُرجمعیت مسکونی، پرتاب بمب بشکه ای، حمله به کاروان کمکهای انسانی، استفاده از بمب فسفوری و جز آنها به چشم می خورد.

در همین حال از یاد نباید برد که مهم‌ترین مخالفان تحقیق پیرامون حمله شیمیایی اخیر در سوریه، همان کسانی هستند که بلند تر از بقیه، از نبود "مدارک و شواهد قوی" پیرامون ارتکاب آن توسط رژیم اسد‌ها شکایت می‌کنند. تنها چند روز بعد از جنایت خان شیخون، روسیه قطعنامه شورای امنیت را که خواستار تحقیقات در این باره و همکاری دولت سوریه شده بود، وتو کرد.

به نظر می‌رسد یکی از دلایلی که مُسکو در برابر انجام چنین تحقیقاتی مانع تراشی می‌کند، نقشی باشد که این کشور به عنوان شریک نظامی دولت سوریه در جنایت جنگی مزبور ایفا می‌کند. نیروی هوایی سوریه تحت حمایت نظامی و لجستیک روسیه قرار دارد و بنا به اعتراف مُسکو، پایگاه هوایی العشیرات که گفته می‌شود هواپیماهای حامل بمب شیمیایی از آنجا به پرواز درآمده‌اند، به گونه عملی از سوی روسیه فرماندهی می‌شود و پایگاه اصلی آن در "جنگ علیه داعش" به حساب می‌آید.

کارتها بُر نخورده‌اند

گرچه روسیه نسبت به موشک باران پایگاه هوایی مُشترک خود و دولت سوریه اعتراض کرده است، با این حال چنین می‌نماید که کرملین به خوبی می‌تواند با سطح و ارزش نظامی این اقدام کنار بیاید. تجهیزات و پرسنل روسی مُستقر در العشیرات دُچار هیچ خسارتی نشده‌اند و آنهم به یک دلیل خوب: آمریکا پیش از شلیک موشک‌هایش، روسیه را از تصمیم به این اقدام آگاه ساخته بود. از همین روست که تنها یک روز بعد از حمله موشکی، روسیه و متحدش توانستند عملیات هوایی برای بمباران شهرها و مناطق روستایی را از سر گیرند. آقای ترامپ در توضیح ناهمگونی میان اقدام نظامی برای "حمایت از زنان و کودکان" و بر سر جا گذاشتن ابزار و امکانات آن و از جمله باند فرودگاه توضیح داد: "بمباران باند فرودگاه روند مُتعارف نیست، چون به سرعت و به بهای ارزان ترمیم می‌شود."

او توضیح نداد که اگر او هدفهای نظامی خود را بر اساس ارزان و گران بودن آنها انتخاب می‌کند، بنابراین چرا به گرانبهاترین دارایی جنگی آقای اسد، یعنی نیروی هوایی او چنان ضربه جُبران ناپذیری وارد نیامد که پرواز از العشیرات را دستکم برای مُدت نامحدودی مُنتفی گرداند.

از این رو حرکت نظامی آمریکا را می‌توان در طبقه بندی "اقدام نمادین" جای داد و اگر اهمیتی داشته باشد، بی تردید از نظر نظامی نیست و به همین اعتبار نیز نمی‌توان از آن بُر خوردن کارتهای بازی در سوریه را برداشت کرد.

گویا ترین محک پیرامون ارزش نمادین حمله موشکی آمریکا به العشیرات، نبود یک استراتژی روشن سیاسی و نظامی در پس آن است. دوگانگی آشکاری که در دستگاه دولت آمریکا پیرامون بحران سوریه و چگونگی برخورد به آن، پیش و پس از اقدام مزبور، خود را به نمایش گذاشت، نشانه های روشنی از فقدان یک سیاست کُلی با خُطوط مُدون دارد. کاخ سفید از یکطرف تاکید کرده است که برکناری آقای بشار اسد "اولویت" ندارد و از طرف دیگر اصرار دارد که راه حل سیاسی با وجود او در قُدرت مُمكن نیست.

آقای ترامپ و پایوران ارشد دولت او کوشیده‌اند جای خالی استراتژی در این حمله را که آشکارا به چشم می‌زند، با دلایل و ادعاهای بشردوستانه و رنج "زنان و کودکان" سوری پُر کنند؛ یک جوشش احساسی - اخلاقی ریاکارانه که در برخورد به گُشتار روزانه مردم سوریه دیده نمی‌شود. آنچنان که گویی بُمباران شیمیایی فاقد مشروعیت است، اما بُمباران با مواد مُتعارف مرگزا موجه و چشم پوشی پذیر به شُمار می‌رود. کودکان و زنان و مردانی که کاخ سفید برای شان دل می‌سوزاند و به نام آنها موشک شلیک می‌کند، همان کسانی هستند که ورودشان را به آمریکا ممنوع ساخته و به روی آوارگان و پناهندگان شان درها را چفت و بست قانون انداخته است.

یک استراتژی شکست خورده

بنابراین تا این نُقطه، سیاست و خط مشی ایالات مُتحد در برخورد به بحران سوریه و راه پایان دادن به آن تغییری نکرده است. در پس بی عملی آقای اوباما در برابر بحران رو به گُسترش سوریه، یک استراتژی وجود داشت که بر پایه سه عُنصر

۱- جلوگیری از قدرت گرفتن نیروها و جریانهای دموکراتیک سوری ۲- جنگ علیه القاعده و داعش ۳- پیشبرد توافق هسته ای با مَلاهای ایران قرار گرفته بود. در این چارچوب، حفظ سیستم سیاسی و نظامی سوریه برای جلوگیری از آنچه که "هرج و مرج" نامیده می شود، جای گرفته است. این امر می تواند حتی اتحاد عملهای مُشخص با رژیم حاکم بر سوریه زیر نام "جنگ علیه ترور" را در بر گیرد، همان ترکیبی که هم اکنون در شمال "رقعه" و در جبهه مُشترک آمریکا، رژیم سوریه و نیروهای کُرد علیه "پایتخت داعش" شکل گرفته است.

حفظ سیستم سوریه به گونه ناگزیر مُترادف با حفظ آقای اسد نیست. سیاست ایالات مُتحد در این رابطه، کنار گذاشتن سر سیستم، اما حفظ خود آن بوده است. تجربه شش سال گذشته نادرستی این سیاست را به نمایش گذاشته است. ساختار موروثی قدرت دولتی و نظامی در سوریه آنچنان در هم تنیده شده و به یکدیگر مشروط است که به سادگی اجازه جُدا سازی بدنه از راس را مانند آنچه که در مصر و تونس اتفاق افتاد، نمی دهد. در سوریه سر و سیستم یکی هستند و تفکیک آنان از یکدیگر به ویژه از طریق کوبیدن یکی و رشوه دادن به دیگری مُمكن نیست. سیستم در سوریه هرگز حتی به اندیشه قُربانی کردن سر برای حفظ خود نیز نمی افتد.

از سوی دیگر، راه حل آمریکایی که رژیم اسدها را به گفته خود در "جنگ علیه ترور" تحمُل می کند، آگاهانه چشم بر نقش مُستقیم آن در ایجاد فضای مانور و تحرک برای بُنیادگرایان اسلامی و حتی پرورش آنها بسته است. آقای اسد تا پیش از دمیدن "بهار عربی" در سوریه در سال ۲۰۱۱، به گونه فعال از جهادیه‌های عراقی حمایت می کرد و سپس با شعله ور شدن جنگ داخلی، طیف بین المللی بُنیادگرایان به یکی از مُتحدان چشم پوشی ناپذیر آن در سرکوب اپوزیسیون دموکرات و سکولار فراز یافتند.

آمریکا با حمله به العشیرات به جای تغییر این استراتژی نشان داد که به بازی اش در همین میدان محدود که قواعد آن را مُحاسبات ژئوپولیتیک از یکطرف و احرار الشام، القاعده و داعش از طرف دیگر تعیین می کنند، ادامه می دهد.

پیام موشکها

با این حال، ثابت ماندن سیاست سوری ایالات مُتحد تنها پیامی نیست که حمله به العشیرات ارسال کرده است. موشکهای ارسالی از مدیترانه، پیامی فرا منطقه ای نیز را با خود حمل می کردند و آن تمایل آمریکا برای حضور دوباره در خاورمیانه، آنهم به عنوان یک بازیگر تعیین کننده است.

با وارد بازی شدن آمریکا، شرایط پیشین اعتبار خود را از دست داده و وضعیت برای همه طرفهای درگیر دگرگون شده است. بعد از این آنها باید حرکت مُهره شان را با حرکت ابرقدرت آمریکا تنظیم کنند.

این تحول که به روشنی تلاش دستگاه آقای ترامپ را برای جلب نظر و نزدیکی به نفوکانها به نمایش گذاشته، انرژی کافی برای یک چرخش کاخ سفید از پوپولیسم راست به سوی نو-مُحافظه کاری را در خود ذخیره کرده است.

برآمد

حمله با گاز اعصاب به مردم خان شیخون آخرین جنایتی نیست که رژیم اسدها مُرتکب می شود. حاکمان سوریه به ویژه اکنون و پس از ایده گمراه کننده "تعیین سرنوشت بشار اسد به دست مردم سوریه" که از سوی آمریکا، روسیه و رژیم مَلاها طرح می گردد، نیازمند تاکید بیشتر بر نقش خویش و سفت تر کردن جایگاه خود در "راه حل سیاسی" هستند. ابزار آنها برای این هدف، اعمال خُشونت بیشتر با روشهای افراطی تر و تبهکارانه تر است.

کانال تلگرام نبرد خلق

@nabard_khalgh

https://telegram.me/nabard_khalgh

واکنش ضد انسانی رژیم در برابر جنایت بشار اسد در ادلب

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر پنجشنبه ... ۱۷ فروردین

بار دیگر مثلث اسد، خامنه ای و روسیه در بی عملی نهادهای بین المللی در مورد ادامه جنگ و جنایت در سوریه، کشتار و قتل عامی دردناک را به مردم بی دفاع و به خصوص کودکان سوریه تحمیل کردند. حمله شیمیایی نیروهای ارتش بشار اسد در روز سه شنبه ۱۶ فروردین به شهر خان شیخون، در حومه جنوبی ادلب، موجی از انزجار و نفرت در جهان برانگیخت و حامیان دیکتاتور سوریه را رسوا کرد.

چشمان باز کودکانی که در اثر گاز شیمیایی خفه شده اند، بار دیگر این سوال را در برابر همگان می گذارد که چرا بحران سوریه ادامه دارد؟ چه کسانی هیزم بیار این جنگ هستند و چه کسانی از این جنگ سود و یا ضرر می برند؟ بسیاری از دولتهای غربی منجمله، انگلستان، فرانسه، آمریکا و مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، انگشت خود را به سوی بشار اسد نشانه گرفته و این عمل را محکوم کردند. به درخواست دولت فرانسه جلسه اضطراری شورای امنیت ملل متحد تشکیل شد. در این میان موضع گیری رژیم ایران و روسیه، دو حامی اصلی دیکتاتوری بشار اسد، مشوق این دیکتاتور سفاک برای ادامه شرارت و جنایت است.



رژیم ایران که از بازیگران جنگ در سوریه از نظر مالی، تسلیحاتی و نیرویی است، برای حفظ بشار اسد سرمایه گذاری کرده و بنابراین حمله شیمیایی در ادلب را هم از همین دریچه توجیه می کند.

بهرام قاسمی سخنگوی وزارت امور خارجه رژیم در واکنش به این حمله شیمیایی بدون مشخص کردن عامل این جنایت، «کاربرد سلاح شیمیایی» را محکوم کرد. وی بلافاصله طرفهای مقابل را به داشتن «معیارهای چندگانه، تبلیغات جهت دار و مبتنی بر قضاوتهای زود هنگام و استفاده ابزاری برای اتهام زنی و تثبیت مواضع و خواسته‌های سیاسی برخی از بازیگران را مانع برخورد ریشه‌ای با این گونه» جنایتها دانست.

وی روز چهارشنبه ۱۶ فروردین با گفتن این که «یکی از اهداف این رویداد، اختلال در روند سیاسی و برهم زدن آتش بس ایجاد و تحکیم شده در روند آستانه (پایتخت قزاقستان) است.» تلاش کرد تا بار سنگین محکومیت جهانی از دوش بشار اسد برداشته شود و در ضمن خود را مدافع راه حل سیاسی و آتش بس نشان دهد. در حالی رژیم ولایت فقیه با وسایل گوناگون در راه حل سیاسی اختلال می کند و همزمان از این که بشار اسد را مسئول این فاجعه معرفی کند، خودداری می کند.

اسد باز کننده درها به روی امپریالیسم و ارتجاع در سوریه

لیلا جدیدی

فراسوی خبر... دوشنبه ۲۱ فروردین

اگر بخواهیم حمله موشکی اخیر آمریکا به یک پایگاه نظامی اسد را واقع گرایانه ارزیابی کنیم، باید از نگاه مجرد بدین رویداد پرهیز کرده و نخست زمینه های وقوع آنرا بررسی کنیم

در آغاز امر، مردم سوریه در خیزشی عمومی علیه دیکتاتوری اسد دست به اعتراض و مقاومت مسالمت آمیز زدند. رژیم اسد با همدستی و همراهی رژیم جمهوری اسلامی و روسیه به کشتار و جنایت و قتل عام مردم برخاست و در این راه تمامی پرنسیبهای انسانی را زیر پا گذاشته و کمر به نابودی مردم تا آخرین نفر بست. با توجه به این فاکتورها و در نتیجه آن، نیروهای گوناگون از جمله نیروهای ارتجاعی با اهداف گوناگون وارد این صحنه مرگ زا شدند. بر همین بستر کشورهای دیگر از جمله آمریکا نیز مستقیم و یا غیر مستقیم وارد صحنه شدند. در ادامه، اسد وقیحانه و در برابر نگاه بی تفاوت جهان، دو بار دست به حمله شیمیایی علیه مردم سوریه زد.



از این منظر و با این پیش زمینه می توانیم ارزیابی زیر را داشته باشیم.

- ما همواره در جبهه مخالف اسد و قتل و عام در سوریه و کمکهای جمهوری اسلامی به او بوده ایم و آنها را آغازگر و باز کننده درها به روی امپریالیسم و ارتجاع می دانیم.

- در حال حاضر سوریه در عالم واقع جولانگاه امپریالیسم و ارتجاع گشته است. ما مخالف حضور همه نیروهای خارجی به ویژه

جمهوری اسلامی در سوریه هستیم

- بمباران پایگاه هوایی اسد توسط امپریالیسم آمریکا هیچ تغییری در سیاست منفعلانه آمریکا نداده است و این کشور همچنان هدفی که برکناری اسد را شامل شود، ندارد.

- اقدام آمریکا با هدفی که انجام شده باشد، مهار کننده اسد در استفاده از سلاح هسته ای خواهد بود؛ امری که اوپاما از آن در نخستین بار طفره رفت و دست اسد را برای بار دوم برای ارتکاب به چنین اقدام فاجعه باری باز گذاشت.

- ما از اپوزیسیون و مردم سوریه حمایت می کنیم و این را وظیفه سیاسی، انسانی و انقلابی خود می دانیم.

- ما همچنان در جبهه مخالف اسد و همراه مردم سوریه بوده و هستیم و از هر اقدامی که به سرنگونی اسد به دست مردم سوریه کمک کند، اگر چه ناکافی باشد، حمایت می کنیم.

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com

بی حقوقی نیروهای کار، قانون همیشگی رژیم

زینت میرهاشمی

اولین قانون کار در سال ۱۳۲۵ تصویب شد. این قانون همان زمان هم با مخالفت کارگران صنعت نفت روبرو شد. بار دیگر قانون کار بازبینی شد و در سال ۱۳۳۷ در مجلس رژیم پهلوی تصویب شد. با توجه به این که زیر بنای رژیم دیکتاتوری شاه سرمایه داری وابسته (پیرامونی) بود، برآیند آن قانون استثمار نیروی کار و هر چه پایین آوردن حقوق کارگران در هزینه تولید و بالا بردن سود بود. قانون کار تصویب شده در مجلس آن زمان مورد مخالفت کارگران و مزدبگیران قرار گرفت. اعتراضهای کارگران نساجی، کارگران صنعت نفت و ... از جمله اعتراضهای مهم



نسبت به قانون کار آن زمان بود.

با توجه به نقشی که کارگران، به ویژه کارگران صنعت نفت و مزدبگیران در انقلاب ضد سلطنتی داشتند، انتظار نیروی کار این بود که در زندگی آنان تحول ایجاد شده و تغییرات در جهت عادلانه تر شدن قانون کار باشد. اما راهبرد رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی در برابر مبارزه نیروهای مترقی و فعالان کارگری و اجتماعی، سرکوب و پس گرفتن دستاوردهای نیروی کار بود. دستاوردهایی که بیش از نیم قرن نیروهای کار در مبارزه کسب کرده بودند.

اولین تظاهرات گسترده کارگران و فعالان کارگری در روز جهانی کارگر حقوق برحق و خواسته های کارگران زحمتکششان را به روی میز حاکمیت جدید قرار داد. این تظاهرات قدرت نمایی نیروهای کار و نیروهای مترقی جامعه بود. همین تظاهرات را رژیم برنتابید و از فردای آن فشار و سرکوب را شروع کرد.

قانون کار جدید

بعد از انقلاب تا سال ۱۳۶۹، قانون کار جدیدی وجود نداشت. احمد توکلی یک طرح به مادون ارتجاعی ارایه داد که با مخالفت عمومی روبرو شد. سرانجام قانون کار جدید در جدال بین مجلس و شورای نگهبان در ۲۹ آبان ۱۳۶۹ در مجمع تشخیص مصلحت تصویب شد.

در این قانون تا کنون چند بار تغییراتی علیه نیروهای کار داده شده است. قانون جدید تحولی مثبت در وضعیت طبقه کارگر به وجود نیاورد. بخش مربوط به کنترل مبارزه کارگران و حقوق دمکراتیک کارورزان به زیان آنان بدتر قانون رژیم شاه شد. اما همین قانون کار دست ساز رژیم هم در موارد بسیار مثل تعیین حداقل دستمزد و بیمه کارگران اجرا نمی شود و در ضمن تغییراتی به ضرر کارگران در طی سالهای اخیر در این قانون کار صورت گرفته است. خارج کردن کارگران کارگاههای زیر ۵ نفر و پس از آن خارج کردن کارگران تا ۱۰ نفر از شمول قانون کار به محروم شدن شمار زیادی از کارکنان از حقوق پایه ای همچون حداقل مزد، بیمه های درمانی و بیمه بیکاری منجر شد. با توجه به وجود تعداد زیاد کارگاههای تا ده کارکن می توان تصور کرد که با این تغییرات چقدر به نیروی کار آسیب رسیده است. در این مورد به خصوص به زنان که بخش مهمی از نیروی کار در این کارگاهها هستند، آسیب وارد شده است. در ادامه تغییرات کارورزان مناطق آزاد تجاری از این قانون کار محروم شده اند.

همچنین تغییراتی به ضرر زنان در قانون کار داده شده است. کاهش ساعات کاری زنان دارای فرزند و قوانین تبعیض آمیز در مورد استخدام زنان از جمله تغییرات به زیان زنان است. در نتیجه این تغییرات هم سطح درآمد زنان پایین آورده می شود و هم کسی که در مرخصی زایمان ۹ ماه از بازار کار دور باشد، در بازگشت به کار با مشکل روبرو خواهد شد. یکی از دلایل تغییر در قانون کار به زیان زنان، سیاست افزایش جمعیت ولی فقیه است و البته کارفرمایان کمتر به استخدام زنان تن می دهند.

بنابراین برآمد تغییرات در قانون کار در نظام ولایت فقیه به زیان نیروهای کار و موجب فقیر شدن بیشتر کارگران و مزدبگیران شده است.

لایحه احمدی نژاد - روحانی، تغییرات به زیان کارگران

بحث تغییر دوباره قانون کار از زمان احمدی نژاد دو باره شدت گرفت. دولت روحانی هم لایحه تغییر را با عنوان اصلاحیه قانون کار به مجلس فرستاد. اعتراضهای کارگری بسیار بالا گرفت. تا روزی که این رژیم هست سایه شوم تغییر قانون کار به ضرر هر چه نیروی کار بر سر کارکنان و مزدبگیران است. با نزدیک شدن نمایش انتخابات این طرح مسکوت گذاشته شده است. تغییرات در لایحه دولت برای تغییر قانون کار به طور خلاصه چنین است:

آسان کردن فسخ قراردادهای کاری،

سهولت در اخراج کارگران،

کمرنگ کردن نقش سازمان تامین اجتماعی در بیمه کارگران،

کاهش حق سنوات پس از فسخ قرارداد کاری و یا اخراج،

برجسته کردن نقش کمیته های انضباطی و سرکوب بیشتر کارکنان،

کمرنگ کردن برخورداری از حداقل دستمزد تعیین شده بر اساس نرخ تورم و ربط دادن دستمزد با شرایط اقتصادی،

حذف نقش سازمان تامین اجتماعی در زندگی کارگران و مزدبگیران

یکی از تبصره های گنجانده شده در لایحه تغییر قانون کار، در مورد سرنوشت فعالان کارگری زندانی است. این تبصره تهدیدی جدی برای جلوگیری از پیشرفت جنبش کارگری در مبارزه سندیکایی است.

تبصره ماده ۱۷ چنین است:

چنانچه توقیف کارگر منجر به مجازات سه ماه حبس یا بیشتر شود، کارفرما می تواند قرارداد کار کارگر را با پرداخت حق سنوات به ازای هر سال سابقه کار معادل یک ماه آخرین حقوق، فسخ نماید.

این تبصره کارگران را در صورت شرکت در حرکت‌های اعتراضی و صنفی به بیکاری و از دست دادن مزایای سابقه کاری شان تهدید می‌کند.

این تغییرات در راستای همان سیاست اقتصاد مقاومتی اعلام شده از طرف ولی فقیه است. علت اساسی بحران اقتصادی، قوانین موجود کار نیست که راهبردهای برطرف کردن آن از تغییر در آن به وجود آید. این تغییرات درجه استثمار و چپاولگری را شدت خواهد بخشید، اما امنیت سرمایه در دیکتاتوری ولایت فقیه را تضمین نخواهد کرد.

گام مقدم برای غلبه بر بحران اقتصادی یک امر سیاسی است و آن تغییر رژیم ولایت فقیه به یک نظام دمکراتیک و لائیک است.

قانون کار به ویژه مواد مربوط به سرکوب مبارزه کارگران مانع اعتلای جنبش کارگری برای رسیدن به خواسته‌های عادلانه است. این قانون هم مانند قوانین ارتجاعی دیگر باید از بنیاد لغو شود.

دو ادعاها مسخره

پایوران رژیم به ویژه ولی فقیه نظام خود را مدافع منافع مردم تهدیدست که آنان را «مستضعفان» می‌نامند، معرفی می‌کنند. همچنین این ادعای پوچ را مطرح می‌کنند که قانون کار رژیم از قوانین کار در کشورهای اروپایی متریقی تر و بیشتر به سود محرومان است. این ادعاها در شرایطی مطرح می‌شود که بی‌حقوقی کارورزان ابعاد فاجعه باری پیدا کرده است.

رژیمی که از باندهای فاسد، دزد و چپاولگر تشکیل شده نمی‌تواند مدافع منافع بی‌چیزان و زحمتکشانش باشد. ادعای دفاع از مستضعفان ادعایی پوچ و مورد تمسخر مردم قرار گرفته است. تا کنون باندهای شریک در قدرت مدارک مهمی از فسادها و چپاولگریهای رقیبان رو کرده اند. دزدیهای شهردار تهران، دزدیدها در دوران تحریم، فروش نفت و واریز کردن پول آن به جیبهای گشاد آقازاده‌ها، نورچشمیها و رانت خوارها. بخشی از این دزدیها در جلال باندهای در قدرت به رو آمده است. قسمت مضحک ادعای رژیم، برتر قرار دادن قانون کار موجود در ایران با قانون کار کشورهای غربی است.

مقایسه قانون کار رژیم ایران با قانون موجود در کشورهای غربی بسیار پوچ و جهت فریب مردم است. البته این رژیم همه دستاوردهای ارتجاعی خودش را برتر از پیشرفتهای علمی کشورهای دیگر می‌داند.

این که در کشورهای سرمایه داری کارگران استثمار می‌شوند و قوانین کار اشکال دارد جای شکی نیست اما این کجا و آن کجا.

در قوانین کار جمهوری اسلامی، حق اعتصاب و اعتراض وجود ندارد. اعتصاب ممنوع است. به همین دلیل کارگران معدن آق دره در پی اعتراض به شرایط کاری خود توسط شکایت مدیر معدن، در دستگاه قضایی رژیم محکوم به شلاق شده و این حکم هم به اجرا درآمد. بر اساس همین قانون کارگران بافق به دلیل اعتراض به خصوصی سازی و شرایط کارشان محکوم به شلاق و پرداخت جریمه شدند.

در کشورهای غربی، اتحادیه‌ها و سندیکاهای کارگری به رسمیت شناخته شده و بنا به قدرت سازمانیابی خود، در مذاکرات با دولت برای مسایل خود نقش دارند.

کشورهای غربی استانداردهای کار تصویب شده در سازمان جهانی کار را رعایت می‌کنند. در حالی که رژیم عضو این سازمان است و لی تعدات خود را رعایت نکرده و خلاف آن عمل می‌کند. ملزم کردن رژیم به قراردادهای سازمان جهانی کار، ایجاد تشکلهای مستقل کارگری و حق اعتصاب از جمله این قراردادهای هستند که باید با فشار به رژیم تحمیل کرد.

سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در ایران را به شدت محکوم می‌کنیم.

آیا هنوز طبقه کارگر در مرکز استراتژی انقلابی و سوسیالیست قرار دارد؟

لیلا جدیدی

بسیاری از تیوریسینهای پسا صنعتی شدن و پسا مدرنیسم دهه هشتاد، نقش طبقه کارگر صنعتی را در تاریخ از بین رفته اعلام می کردند. نمونه ای از اینان "پیتر دراگر" است که در نگارش دیدگاههای خود تاکید می کرد: "هیچ طبقه ای به اندازه طبقه کارگر یقه آبی در تاریخ به این سرعت ظهور پیدا نکرده و هیچ طبقه ای هم به همان اندازه سهمگین سقوط نکرده است".

برخی از روشنفکران "رادیکال" نیز وجود و یا اهمیت این طبقه را رد می کردند. آنها بر این باور بودند که تحلیل طبقاتی امری مربوط به گذشته است، چنین طبقه ای وجود ندارد و فقط رباتها، کارگر هستند. اگرچه برخی از آنها به طور مستقیم مارکس را خطاب قرار نمی دادند، اما به طور کلی این نظریه پردازان مطرح می کردند که نیروی کار سنتی تولید کالا کاهش پیدا کرده، کارخانه های تولیدی بزرگ، کوچک تر شده و تولیدات پیچیده متمرکز کنار رفته و جای خود را به مجتمعهای زنجیره ای تولید کنندگان کوچک تر داده است.



این مباحث و تیوریهها در تضاد با اندیشه مارکس و تصویری قرار دارد که در مانیفست حزب کمونیست بدین گونه تشریح گردیده: "با توسعه صنعت، پرولتاریا نه تنها در شمار رشد خواهد کرد، بلکه در

توده های عظیم تری تجمع خواهد داشت، نیروی آن رشد می کند و کارگر این نیرو را بیشتر حس خواهد کرد". این نوشته نگاهی به تغییرات صورت گرفته در وضعیت کنونی طبقه کارگر جهانی و از سوی دیگر، رابطه آن با شکل کنونی امپریالیسم، یا بهتر گفته شود، "امپریالیسم مالی"، می پردازد.

بدیهی است که همچنانکه تغییراتی در سازمان دهی سرمایه داری هم در دولتهای توسعه یافته صنعتی و هم در ابعاد جهانی صورت گرفته، دگرگونیهایی نیز در طبقه کارگر به وجود آمده. از این رو، اکنون برای انقلابیون مارکسیست این سوال پیش می آید که آیا هنوز طبقه کارگر صنعتی در مرکز استراتژی انقلابی و سوسیالیستی قرار دارد یا خیر؟

چه کسانی در صف طبقه کارگر جا می گیرند؟

"کیم مودی (kim mody)"، از نویسندگان "انتشارات یادداشتهای کارگری" و چندین کتاب در باره جنبش کارگری در ایالات متحده آمریکا، به این سوال به طور مشروح پاسخ داده است. وی با اشاره به این امر که اکثریت جمعیت شاغل (شاید ۸۰ درصد نیروی کار)، مزد بگیریانی هستند که ارزش اضافی تولید می کنند صرف نظر از اینکه تولید چه باشد (کالا یا خدمات)، می گوید: "به هر میزان که تغییرات عظیمی در بخش صنعتی به وجود آمده باشد، باز هم روشن است که طبقه کارگر از زمان نویسندگان کلاسیک مارکسیست مانند مارکس، انگلس، لنین، تروتسکی، لوکزامبورگ، گرامشی و غیره، بزرگ تر شده است".



"هل دراپر (Hal Draper)"، سوسیالیست و فعال سیاسی آمریکایی که نقش برجسته ای در جنبش آزادی بیان داشت و در باره تفهیم تاریخ و افکار کارل مارکس آموزش می دهد، در این باره می گوید: "مارکسیستها سالهاست در این مورد که طبقه کارگر چیست گفتگو کرده و می کنند. در نظریه انقلاب کارل مارکس توضیح داده شده است که طبقه کارگر صنعتی تنها به کسانی محدود نمی شود که "در نقطه ای از تولید" قرار گرفته باشند و حتی "کالا تولید کنند". همچنانکه سرمایه داری همه امور زندگی را "کالایی" می کند،

خدمات هم کالایی می شود و دقیق تر اینکه، صنعت "پرولتاریزه" کردن محدود به کارگران یدی نمی شود، همزمان، شامل همه کسانی که برای مزد کار می کنند هم نمی شود."

کیم مودی در مقاله ای با عنوان "چرا کارگران صنعتی جهان اهمیت دارند" تاکید می کند: "اهمیت کارگر صنعتی در این جا است که همچنان که سرمایه داری در حال زایش است، تغییرات رادیکالی نیز در طبقه کارگر جهانی صورت می گیرد. برای نمونه، این تغییرات با خود تعداد زیادی کارگر مهاجر به بازار کار می آورد، یک منطقه صنعتی می شود و منطقه دیگر به عکس. هر کدام از این تحولات، تغییرات عمیقی در ترکیب و ساختار اجتماعی طبقه به وجود می آورد. تحول در تکنولوژی، تحول در طبقه کارگر را در پی دارد. بنابراین می بینیم که نقش طبقه کارگر به لحاظ استراتژیک و عملی پر اهمیت می شود."



"امانوئل نس (Immanuel Ness) ، پروفیسور علوم سیاسی دانشگاه بروکلین در نیویورک و نویسنده "آینده طبقه کارگر"، نیز به طور مشروح بدین امر پرداخته است. وی ادعای "پایان عصر طبقه کارگر صنعتی" را رد کرده و معتقد است که برعکس، پرولتاریای صنعتی جهان از هر زمان دیگری بزرگ تر شده است و مبارزات صنفی و سیاسی بزرگتری از آنان در راه است .

پرفیسور نس در باره چگونگی این رشد و تغییراتی که در دهه های اخیر رخ داده می گوید: "دو فاکتور اساسی وجود داشته است؛ نخست صنعت زدایی صنایع سنتی در آمریکای شمالی و اروپا مانند کارخانه های تولید پوشاک، وسایل الکترونیکی، اتوموبیل و دیگر صنایع سنگین و انتقال این صنایع به آفریقای جنوبی، آسیای جنوبی و جنوب شرقی آسیا و مقداری هم به آمریکای لاتین است. در نتیجه، این مناطق به مراکز تولید و صادرات تبدیل شده اند، در نتیجه این تحول بر شمار کارگران کارخانه ها افزوده شده است .

فاکتور دیگر این است که بین کشورهای در حال صنعتی شدن مانند هند، بنگلادش، چین و اندونزی، میزان شهرنشینی بالا رفته و این به دلیل پایان کشاورزی در روستاهاست. بسیاری از کارگران روستایی به شهرها، جایی که کارخانه های صنعتی تمرکز دارند، کوچ کرده اند. بنابراین، در حالی که در آمریکای شمالی گفته می شود عصر طبقه کارگر صنعتی تمام شده، من می گویم در واقع اکنون تعداد کارگر صنعتی در جهان بیشتر از آن است که تاکنون در تاریخ بشر وجود داشته است."

بنا بر آمارها، شمار طبقه کارگر صنعتی در ۵۰ سال اخیر در حدود ۲۰۰ میلیون تا یک میلیارد افزایش داشته است. نس خاطر نشان می کند که آمارها پیرامون افزایش تعداد کارگران شامل کارگرانی نمی شود که بیرون از کارخانه ها کار می کنند. "پروسه رشد کمی کارگران صنعتی جهانی بدون وقفه و بی امان پیش رفته و بحثهای مارکسیستها در باره جهانی شدن سرمایه را به اثبات رسانده."

شکل گیری امپریالیسم مالی

در باره اهمیت امپریالیسم مدرن، کاراکتر امروزی آن و رابطه آن با تحلیلهایی که پیرامون کارگران صنعتی می شود، نظریه های بسیار زیاد و گوناگونی وجود دارد که از سوی پژوهش گرانی مانند "امانوئل والترشتاین"، "جیودانی آریگی" (محقق ایتالیایی) و "ویلیام رابینسون" ارایه شده است .

برای نمونه، ویلیام رابینسون، پروفیسور آمریکایی در دانشگاه کالیفرنیا، که تحقیقات جامعی پیرامون جامعه شناسی، اقتصاد سیاسی، جهانی سازی، آمریکای لاتین و ماتریالیسم تاریخی دارد، سیستم اقتصادی کنونی جهان را متمرکز بر گسترش سرمایه با حمایت از "قلمرو زدایی" دولت - ملت توصیف کرده است.



نس با ویلیام رابینسون موافق است که یکی از ویژگیهای عمده شرکتهای فراملیتی "قلمرو زدایی" است. بدین معنی که دیگر برای آنها اهمیت ندارد کجا سرمایه گذاری می کنند. آنها حاضرند بر پایه سود دهی در هر جایی سرمایه گذاری کنند یا از هر جایی سرمایه خود را خارج سازند."

امانویل مس استدلال می کند: "قدرت امپریالیستی هژمونیک وجود دارد و به ویژه آن را در ایالات متحده می توان یافت که برپایه منطق اقتصاد امپریالیستی گسترش پیدا کرده و اطمینان پیدا می کند که از طریق مداخله نظامی تحکیم و توسعه یابد. ماهیت این نوع امپریالیسم، "امپریالیسم مالی" است."

وی می افزاید: "من فکر می کنم این بسیار روشن است که یک پدیده بحرانی شکل گرفته و آن نفوذ نهادهای مالی در شرکتهای چند ملیتی است. آنها در گذشته خود در نقاط مختلف جهان زیر مجموعه و شعبه داشتند، اما اکنون در سطح جهانی در نهادهایی که به پیمانکارشان بدل شده اند. سرمایه گذاری می کنند."

"ناوومی کلاین"، نویسنده و فعال سیاسی سرشناس، در کتاب "نه به لوگو" مکانیزم کار این نهادهای مالی را اینگونه شرح می دهد: "آنها چیز زیادی تولید نمی کنند، اما تعیین می کنند چه کالایی و چگونه تولید شود، بر پایه مزد بسیار کم." می بینیم که برای درک امپریالیسم مدرن، توجه به این نمونه ها که در چارچوب سرمایه داری مالی عمل می کنند، اهمیت کلیدی دارد. این فرم از سرمایه گذاری مالی از اروپای قرن بیستم و وقتی که بانکهای آلمان در روسیه سرمایه گذاری کردند، آغاز شد و اکنون در سطح جهانی گسترش یافته است. هس می گوید این امر در واقع به سیاسی شدن طبقه کارگر سراسر جهان منجر شده است.

"دیوید هاروی"، پرفسور مردم شناس مارکسیست، مکانهایی که سرمایه در آن فعال و جاری است و در عین حال سودآور ترین هستند و سریع ترین انباشت را در کوتاه مدت ترین و بالاترین نرخ ارایه می کنند، وال ستریت، شهر لندن، توکیو، هنگ کنگ، و فرانکفورت معرفی می کند که بیشترین منابع خود را در نقاطی مانند پرل ریور دلتای چین، اطراف هنگ کنگ، مراکز مهم صنعتی در هند، افریقای جنوبی، مصر، ویتنام، و تا حدی برزیل و اندونزی به کار می اندازند. این نقاط، مراکز مهم و بزرگ توسعه صنعتی هستند.



مبارزات کارگری در سراسر جهان چگونه پیش می رود و در چه شرایطی؟



داده های موجود نشان از آن دارد که با وجود مراکز صنعتی بسیار، اما کارگران در یک شغل یا رشته باقی نمی مانند و پیوسته در حال تغییر محل کار و نوع آن هستند، زیرا به آنها مشاغل درازمدت داده نمی شود. بنابراین، اگر روند مبارزات کارگری را مورد توجه قرار دهیم، می بینیم که مبنای بیشترین اعتراضها همین بی ثباتی و بازتاب آن در مزد، ساعت کار، بیمه، مزایا و غیره بوده و در سطح جهانی افزایش پیدا کرده است.

"بولری سیلور"، جامعه شناس، آمار و اسناد اعتصابات از دهه نود تاکنون را در کتابی به نام "نیروهای کار، جنبشهای کارگری و جهانی سازی" انتشار داده است. وی نشان می دهد که چگونه جنبشهای کارگری با تحول در متغیرها در سیاست، اقتصاد و پروسه های اجتماعی، از اواخر قرن نوزدهم تحول پیدا کرده اند. در این کتاب می بینیم که اعتراضها

با تغییر جغرافیایی تولید، از کشوری به کشور دیگر منتقل شده. وی به صورت مستند فرضیه پایان جنبشهای کارگری را رد کرده و نتیجه می‌گیرد: "در قرن بیست و یکم بر دامنه جنبشهای کارگری به شدت افزوده خواهد شد". پرفسور نس نیز در همین زمینه از کارخانه های چین نمونه می‌آورد: "هزاران اعتصاب در سال در کارخانه های چین رخ می‌دهد. هیچ شکی نیست که تا کنون در این ابعاد در جهان اعتصابات کارگری وجود نداشته. این اعتصابات حتی از سوی کارگرانی که در اتحادیه های تحت کنترل دولت هستند نیز سازمان داده شده".

جایگاه کارگران خدماتی چیست؟

حال سوال بعدی این خواهد بود که اعتراضهای کارگری در مناطقی که کارخانه و کارگر صنعتی وجود ندارد یا بهتر بگوییم، مناطق خدماتی در نیم کره شمالی، به چه صورت است و از چه اهمیتی برخوردار است. از آن رو که طبق آمارها، ۸۵ درصد حرکتهای کارگری در نیم کره جنوبی به وقوع می‌پیوندد. نس در این زمینه می‌گوید: "شمال در واقع از استثمار کارگران جنوب بهره می‌برد، اما شکی نیست که اقتصاد جدید در شکل خدمات و تکنولوژی و غیره شکل گرفته است. البته شاغلان در این رشته ها نیز به شدت استثمار می‌شوند. شرکتهایی هم مانند "اوبر"، کارگران را به صاحب کار تبدیل می‌کند، اما در واقع آنها وادار می‌شوند برای این شرکتهای بیشتر کار کنند".

راهکار و چشم انداز

نظریه پردازان در این زمینه در تحلیل نهایی معتقدند که اعتصابات و اعتراضات کارگران صنعتی و خدماتی باید سازماندهی شود. در شمال و جنوب اکنون کارگران در حال ساختن اتحادیه ها و سندیکاهاى جدید هستند. این امر باید ادامه و رشد داشته باشد. کارگران باید از اتحادیه های گذشته که در مناسبات نسلهای گذشته درجا می‌زنند، خود را رها کنند.



اگرچه جنبشهای کارگری از زمان صنعتی شدن افت و

خیزها و انحرافات داشته اند، اما برخلاف نظریه های بسیاری که حتی بخشی از چپ را شامل می‌شود و معتقد است سوسیالیسم دیگر جایگاهی ندارد، می‌بینم که اکنون جهان بیش از هر زمان دیگری برای پایان دادن به رنج و درد و نابرابری به سوسیالیسم نیاز دارد. این امر حتی برخی از اتحادیه ها را وادار به تغییرات سوسیالیستی در برنامه و چشم اندازهای خود کرده است. نمونه های بسیاری از این تحول وجود دارد، به ویژه در آفریقا که در این نوشته مجال پرداخت به آنها نیست.

همچنین، بیشترین تغییراتی که مناسبات اقتصادی تاکنون در زندگی کارگران داده، نشاندهنده این است که این طبقه مهمترین پتانسیل تحول در جامعه است و می‌تواند آلترناتیوی رادیکال در برابر سرمایه داری باشد. در واقع طبقه کارگر همچنانکه مارکس و انگلس ۱۶۰ سال پیش در مانیفست حزب کمونیست یادآور شده اند، "گورکن" بالقوه سرمایه داری است. مارکس، آینده طبقه کارگر را برآمده از دو عامل می‌دانست؛ نخست در قدرت جمعی ای که صنعت مدرن بدان می‌بخشد و سپس، در تیرهروزی اجتماعی که سرمایه داری برای به دست آوردن سود بیشتر او را بدان سوق می‌دهد.

**Revolutionary
socialism**

یک ملاقات، یک تصویر

امید برهانی

"آنجا که آزادی نیست، اگر با رای دادن چیزی تغییر می‌کند، اجازه برگزاری انتخابات را نمی‌دادند." (مارک تواین)



طرح مساله

محسن رهامی، عضو شورای سیاست گذاری اصلاح طلبان، روز ۲۳ فروردین به همراه رسول منتجب نیا به دیدار علی خامنه ای رفت و با وی ملاقات و گفتگو کرد.

رهامی درباره جزئیات دیدار خود با خامنه ای گفت: "در این دیدار درباره موضوعات مهمی از جمله رفع حصر و انتخابات صحبت کردیم."

وی انتشار مشروح این دیدار را به بعد از ثبت نام انتخابات ریاست جمهوری موکول کرد.

پیش از این در آذر ماه گذشته رهامی با سمت رییس کمیته انتخاباتی اصلاح طلبان، از دولت روحانی به عنوان دولتی موفق یاد کرده و گفته بود: "در شرایط فعلی دکتر روحانی بهترین گزینه برای ادامه این روند است و اصلاح طلبان هم از او در انتخابات سال ۹۶ حمایت می‌کنند."

همین شخص عصر شنبه ۲۶ فروردین امسال برای کاندیداتوری ریاست جمهوری نام نویسی کرد و به خبرنگاران گفت: "فردی از مجموعه اصلاحات ام، ولی به عنوان کاندیدای مستقل وارد شدم."

وی ادامه داد: "به عنوان رییس بنیاد صلح ایران تلاش من این است که گفتمان صلح که یک نیاز جهانی است را در منطقه ترویج کنم، دولت من ضد فساد و ضد رانت خواهد بود. در همین راستا مدیریت و دولت ملی را برگزیده ام. در این دولت مدیران از همه قشرها و گروهها حضور خواهند داشت. قصد دارم گفتمان اصلاحات را باز تعریف کنم."

وی ادامه داد: "بنده ضمن تکمیل سیاست سازندگی هاشمی و گفتمان خاتمی و تقویت اعتدال روحانی، به بازسازی گفتمان اصلاحات می‌پردازم و قانون اساسی را کاملاً اجرا می‌کنم به خصوص فصل هفتم که مربوط به حقوق مردم است."

رهامی در پایان به سیاق واعظان سری به صحرای کربلا زد و گفت: "باید با رهبری به عنوان ستون خیمه نظام همکاری کرد و در سایه این همکاری، برای احیای تمدن اسلامی ایرانی تلاش کنیم."

تقریباً هم زمان، رسانه هایی از داخل و خارج خبر از پخش تصویر محمد خاتمی از صدا و سیما دادند. این در حالی بود که بعد از سرکوبی جنبش ۸۸، خاتمی هم به عنوان یکی از "سران فتنه" ممنوع المنبر و از سوی صدا و سیما رژیتم هم ممنوع تصویر شده بود.

رسانه ای شدن پخش این تصویر و آن ملاقات در کوران بحث و جدلهای داخل جناحی اصول گرایان و رای زنی نامنسجم اعتدال گرایان که نشانه بارز آن نام نویسی چند نفر از هر طیف به جای توافق بر سر یکی از آنهاست و گفتگو با خامنه ای بر سر موضوعی که ۷ سال است به آن آلرژي دارد و به قول بعضیها "خط قرمز نظام" است، معانی بسیاری دارد.

لحاف چهل تکه ی اصول گرایی



در اردوگاه اصول گرایی اوضاع خراب است. انتظار می‌رفت جناحی که ظاهراً سالهاست با تمام امکانات مالی و رسانه ای پشت رهبر ایستاده و از آوردن هرگونه فشار بر رقبای اصلاحی و اعتدالی دریغ نداشته، با نزدیک شدن به موسم انتخابات در قالب یک یا دو تشکل، در مورد کاندیداتوری

یک یا دو نامزد به توافق برسد، اما در عمل چنین اتفاقی نیفتاد و با وجود نبش قبر تشکلهای قدیمی و ایجاد تشکلهای جدید خلق الساعه مثل "جمنا"، از یکدست شدن باز ماندند. نتیجه آن که چندین نفر شناخته یا کمتر شناخته شده از این جماعت پا به عرصه نامزدی گذاشتند.

ابراهیم ریسی، باقر قالیباف، محسن غروی، محمد غرضی، حمید رسایی، مصطفی میرسلیم و عده دیگری در حالی وارد گود شدند که ابتدا بر سر توافق روی کاندیداتوری ریسی مانور زیادی داده شد و سپس جمنا به طور ضمنی آن را پس گرفت. دولت مستعجل ریسی بسیار زود برآمد و فروکش کرد. فردی که ادعا می شد مورد وثوق خامنه ای است و حتا تا چند قدمی تخت ولایت پیش رفت، به دلیل انتشار گسترده سابقه جنایت کارانه اش در کشتارهای دهه ی ۶۰ در شبکه های مجازی و سمتهای فاسد قضایی تا به امروز و از همه تازه تر، جانشینی واعظ طبسی در تولیت کارتل آستان قدس رضوی، به یکباره همای سعادتش پرواز نکرده خوابید و با توجه به اینکه تمام این سیاهه تاریخ به شکلی رهبر را هم در بر می گرفت و تحت الشعاع قرار می داد، بعید بود که وثوق، حمایت یا توجه ویژه ای از سوی خامنه ای به وی شود تا حدی که بر میزان آرای وی و سرنوشت انتخابات تاثیر جدی بگذارد.

باقر قالیباف، سردار گزانبیری و شهردار جهادی که با وجود صرف بودجه های هنگفت و اجیر کردن گروه کثیری از عمله و اکره شهرداری، در هیچ دوره کاندیداتوری موفق به جذب آرای زیادی نشده، این بار هم آب در هاون کوبیده است. واگذاری املاک در شهرداری، واگذاری پروژه های کلان به قرارگاه خاتم سپاه، اجرای پروژه های بی خاصیت و پر هزینه شهری، زمین خواری همسر و اختلاس پسرش از بانک شهر، به کارگیری ارادل و اوباش در تیمهای اجرایی شهری و ضرب و شتم و حتی کشتن دستفروشان و کارگران کارواش، بی کفایتی، انکار و رفتار غیر مسوولانه در فاجعه ساختمان پلاسکو، همه و همه چنان بار کجی از آب در آمد که بعید است حمال آن از ساختمان خیابان بهشت تا ساختمان خیابان پاستور دوام بیاورد.

مصطفی میرسلیم، از موله، به دلیل ناشناس بودن برای مخاطب عام و به ویژه جوانان از سویی، و منفوریت نزد اهل هنر و فرهنگ با سابقه داغ و درفش نشان دادن به آنها در دورانهای مسوولیت در صدا و سیما و وزارت فرهنگ، جزو معطل ترین کاندیداهای اصول گرایان خواهد بود. البته کسی مانند محمد غرضی را هم با چهره خونسرد غیر جدی و وزن سبک سیاسی حتی در میان هم مسلکانش، می بایست جزو گروه اخیر به حساب آورد که حتی شورای نگهبان هم حضورش را چندان جدی تلقی نکرد و عطای تایید صلاحیتش را به لقای خنده های بی خردانه اش بخشید.



سیرک سه نفره

خامنه ای بعد از پس گردنی زدن به احمدی نژاد با جمله "یک آقای در مورد فلان موضوع با ما صحبت کرد، ما گفتیم که به صلاح نیست شما در این موضوع وارد شوید، مضر است و وضعیت دو قطبی می شود"، کاسه و کوزه وی را به ظاهر برای مدتی برچید. او هم در پاسخ در نامه ای رسمی تصریح کرد که برنامه ای برای حضور در انتخابات ندارد و این را در جلسات مکرری نیز اعلام کرده بود لذا هرچه را که حضرت آقا!!! به مصلحت انقلاب بدانند، برای وی فصل الخطاب خواهد بود.

خامنه ای با پیش فرض جلوگیری از ایجاد فضای دو قطبی (این بار اما دو قطبی اصلاح - اعتدال و اصول گرایی) و حفظ چنددستگی و گرم ماندن تنور انتخابات، دستور به لغو حکم بازداشت بقایی، معاون بدنام و فاسد احمدی نژاد را داد که با شکایت دولت روحانی، پرونده قضایی اش مفتوح بود. بقایی بی درنگ اعلام کاندیداتوری کرد و از حمایت بی دریغ و عوام فریبانه احمدی نژاد و رحیم مشایی برخوردار شد. به این ترتیب این سه یار کودستانی، شادمان از درستی قانون بقای پوپولیسیم در میدان نیروی ارتجاع، به پایکوبی و تبلیغ و تایید یکدیگر، یا به قول احمدی نژاد به "برنامه ریزی برای تبیین انقلاب در سراسر کشور" پرداختند.

احمدی نژاد از آنجا که فردی جاه طلب و کینه ای ست و بارها هم نشان داده که برای رهبر و ولی نعمت خود هم تره خرد نمی کند، و از آنجا که مفتوح بودن پرونده قضایی بقایای احتمالی رد صلاحیت وی را بالا می برد، از فرصت ازدحام خرده طیفهای اصول گرا در کورس ریاست جمهوری سود برده و نام نویسی کرد و به این ترتیب لابیگری و گستاخی خود در نادیده گرفتن منویات رهبر و در حقیقت دوام سایه سنگین خود و تیمش بر سر حاکمیت را برای چندمین بار به رخ حضرت آقا کشید. وی در تبلیغات و مصاحبه های رسانه ای خود از تایید صلاحیت خود با لحنی پر اعتماد و تهدید آمیز سخن گفته بود. اما رد صلاحیت اخیرش به وی گوشزد کرد که هاله نور بازی و سنگ پرانی هم تاریخ مصرف دارد. واکنش دستیار او، بقایی، بسیار جالب بود که در کانال تلگرامی وابسته به خود ضمن اعلام عزای عمومی، حذف احمدی نژاد را مصیبت اعلام کرد.



اعتدال ورشکسته

به جز حسن روحانی، معاون وی اسحاق جهانگیری و مصطفی هاشمی طبا هم نام نویسی کرده و تایید صلاحیت شدند. این حرکت و سخنان پیشین رهامی نشان از آن دارد که در اردوگاه اعتدالیون بر خلاف ادعای حمایت از روحانی، اجماع چندانی بر سر این تحفه بنفش و باور کامل به برنامه هایش وجود ندارد. این را می شد پیش از این هم دستکم در عملکرد بعضی از وزرای او از جمله شخص جهانگیری در داشتن ارتباط و ملاقاتهای متعدد با خامنه ای، و یا کوتاه آمدن و جا زدن وزیر فرهنگ در برابر تهدید ائمه جمعه استانها و یا دعوای طولانی وزرای بهداشت و رفاه درک کرد. نتیجه یک نظر سنجی که به تازگی از شهروندان تحصیل کرده درباره کاندیداهای فرضی ریاست جمهوری دوازدهم انجام شد، میزان مقبولیت روحانی را به وضوح نشان داد: روحانی بعد از نسرين ستوده، میرحسین موسوی و رضا پهلوی!! در مقام چهارم قرار گرفت... .

تلاشهای زیادی صورت گرفته تا با تبلیغ مزایای دولت روحانی، مخاطب را تشویق به شرکت در انتخابات و رای دوباره به وی کند. این جریان از سوی خارج نشینان طرفدار بقای نظام هم بسیار تقویت شده و حتی نظرات شخصی و احساسی را با عنوان چرایی رای دادن به روحانی و دلایل سی گانه و چهل گانه و... در شبکه ها و کانالهای به اصطلاح سیاسی آورده اند که عمده آنها مقایسه روحانی با احمدی نژاد، پیش بردن برجام و ادعای نجات کشور از جنگ و تحریم، بهبود شرایط زندگی، اینترنت و... است. نگاهی به رویدادهای چهار سال گذشته ایران، وارونگی و کذب این ادعاها را روشن می کند:

- اول و مهم تر از همه اینکه دوران احمدی نژاد از هیچ نظر نباید با دولتهای قبل و بعد مقایسه شده و ملاک قضاوت قرار گیرد. این دوران از شدت فرومایگی، عوام فریبی و عوام زدگی دولتمردانش در اساس در کل ساختار نادرست حاکمیت جمهوری اسلامی، پدیده ای عجیب الخلقه بود و حمایت از آن اشتباه تاریخی نابخشودنی. مقایسه شخص یا دولت روحانی با احمدی نژاد در اساس مغلطه بوده و نمی تواند ریز نمره روحانی را بالا ببرد.
- با وجود عدم تغییر ظاهری قیمت ارز در آغاز و پایان چهار سال صدارت روحانی، نوسانات آن به شدت زیاد بوده و تابع پروسه مذاکرات برجام، وضع اسفبار تولید و صنعت و واردات بی اندازه و... بوده و برنامه های اقتصادی و کارشناسانه دولت در این میان نقش حداقلی داشته است. البته اگر دست برادر رییس جمهور را در پدرخواندگی شبکه دلان ارز دستکم نگیریم، نقش ارزی دولت پر رنگ می شود.
- وضع فاجعه بار اینترنت که به دلیل منافع مالی کلان برای سپاه و مخابرات، باعث پیدایش شرکتهای اینترنتی وابسته و گرانی روز افزون بسته های اینترنتی شده است.
- حقوقهای نجومی و لو رفتن آنها از خود دولت و وزارت بهداشت، یعنی همان وزارتخانه ویتترین دولت امید که مدعی پرکاری و خدمت بود. در خصوص ادعای مبارزه با این پدیده و برگرداندن اموال و حقوقها به خزانه هم، تنها نتیجه ملموس، قانونی شدن برخورد قوه قضاییه با افشاگران از این دست بود که هیچ واکنش جدی از سوی دولت در پی نداشت.
- طرح محدودیتهای جدید در قانون کار، عدم رسیدگی به خواسته های مالی و صنفی کارگران، معلمان و پرستاران، تعطیلی وحشتناک کارگاهها و کارخانه ها، اخراج دسته جمعی کارگران، نپرداختن بیمه و بازنشستگی آنها، بیکاری، اعتیاد،

کارتن خوابی، گورخوابی، کودکان خیابانی، زنان و دختران بد سرپرست و خیابانی و روسپی گری، واردات بی حد و حصر، تولید بالای نفت برای جبران کاهش شدید قیمت آن و فرسودگی صنایع نفت و تکنولوژی استخراج و پالایش آن، تخریب شدید زیست محیطی که نشانه های بارز آن خشکی بسیاری از دریاچه ها و تالابها، سیل در شمال و غرب کشور و توفان شن و ریزگرد که به جای دشمنان اسلام، مردم خوزستان را هدف گرفته، همه و همه دستاوردهای دولت روحانی است.

- افزایش هر ساله بودجه نهادهای غیر دولتی مثل شورای نگهبان، سپاه، آستان قدس، بنیاد جانبازان، بنیاد صدرا و... که هر کدام خود غولهای اقتصادی اند و حساب و کتابی هم به "دولت تدبیر و امید" پس نمی دهند، نشان می دهد که این دولت چقدر به فکر مردم و توسعه و پیشرفت کشور است.

- نویسنده منشور حقوق شهروندی از همان ابتدا تا امروز چشم خود را بر بازداشت‌های غیرقانونی، آزار در زندانها، اعدام بی رویه، وضع زندانیان سیاسی، حبس خانگی آقایان و خانمها و گشتهای ارشاد بسته و گرنه زحمت قلم فرسایی به خود نمی داد.

- در زمینه سیاست خارجی، شاید بتوان پیش بردن مذاکرات برجام را تنها وظیفه دولت امید در نجات رژیم از بحران تحریم و خطر حمله ی نظامی دانست، با فراموش نکردن این اصل که سیاست خارجی امپریالیسم آمریکا در برابر مزاحمینش در منطقه، تا جایی که به تامین منافعش مربوط شود، مصالحه و در غیر این صورت جنگ افروزی و دامن زدن به جنگهای منطقه ای و نیابتی و حتی حمله مستقیم است؛ سیاستی که اوپاما و ترامپ نمی شناسد و از آن مهم تر، مستقل از عملکرد دولتهای طرف مقابل است. برجام برآیند ضعف و زبونی بین المللی رژیم و تامین خواسته ها و منافع مادی و امنیتی آمریکا و اروپاست و نشانی از توانمندی رییس جمهور و وزیر خارجه اش ندارد. حمایت بی دریغ شخص روحانی و قهرمان ملی کوتوله اش، ظریف، از بشار اسد و حوثیهای یمن و حزب الله لبنان و فرستادن معاون قاسم سلیمانی به عنوان سفیر به عراق، نشان دهنده میزان پابندی آنها به میثاقهای بین المللی و حقوق بشر و مبارزه با تروریسم است. روحانی شاید کلید دار باشد، اما کلید دار کعبه قدرت است و یا در خوش بینانه ترین حالت سوراخ کلید را عوضی گرفته است.



خامنه ای در پی چیست؟

وضعیت سیاسی داخلی با توجه به درگیریهایی که از سطح بین جناحی به درون جناحی و میان خودیها تغییر ماهیت داده، خامنه ای را نسبت به همه بدگمان ساخته است. وی که از ابتدای تکیه زدن به تخت نامشروع ولایت تا به امروز سیاهه سنگین و نکبت باری از مخالفت با آزادیهای فردی و اجتماعی، قلع و قمع مطبوعات

و رسانه ها، قتل‌های زنجیره ای و حادثه کوی دانشگاه گرفته تا حمایت از قشری ترین و پوپولیست ترین دولت برآمده از نظام، سرکوب شدید جنبش آزادی خواهانه ۸۸، جاه طلبیهای هسته ای و موشکی، حمایت از تروریسم منطقه ای و جهانی دخالت در امور کشورهای همسایه، کارشکنی در پروسه مذاکرات برجام و قتل خواص بی بصیرت را در کنار بیماری جسمانی خود و فساد اخلاقی و اقتصادی بی اندازه و نجومی اشخاص و نهادهای منسوب به خود دارد، در موقعیت انفعال و لختی سیاسی قرار گرفته و تنها به خلاصی از این وضعیت می اندیشد.

با گسترش نفوذ عربستان در بحران یمن، دخالت نظامی مستقیم آمریکا در سوریه و افغانستان در روزهای گذشته، چالشهای حقوق بشری مقامات اروپایی و سازمانهای بین المللی با رژیم و یکدست شدن قدرت سیاسی در عثمانی اردوغان و رشد دیکتاتوری سنی در زیر گوش ولی فقیه شیعه، رفته رفته نفوذ و دخالت‌های رژیم تحت این تاثیرات گاز انبری کم شده و امید چندانی به "حسن همجواری" با همسایگان و مناسبات سالم دیپلماتیک با غرب برای آن باقی نمی ماند.

خامنه ای، خسته و ناامید از اینکه تنها به ریسمان پوسیده اصول گرایی بیاویزد، حذر می کند. او می خواهد خود را از آفت احمدی نژادها برهاند، به گونه ای مساله حبس خانگی موسوی و کروبی و رهنورد را فیصله دهد، هزینه بدنامی و فساد

نجومی و بی حد و حساب اشخاص و نهادهای وابسته به خود مانند قوه قضاییه، ائمه جمعه و بنیادها را که مستقیم و غیرمستقیم به وی منسوب می شود، از دوش خود بردارد.

خامنه ای احتمالاً بی تمایل نیست که مناسبات بین خود و هواداران هاشمی و روحانی را که از ابتدای دولت احمدی نژاد و به طور مشخص از دولت روحانی تا به امروز به سردی گرایید و با مرگ مشکوک به قتل هاشمی و نسبت دادن آن به وی به اوج وخامت رسید را تا حدی به شرایط تحمل پذیر برگرداند.

او احتمالاً بدش نمی آید که آشتی با اصلاحات منتهای خاتمی را امتحان کند. او خاتمی را پس از جنبش ۸۸، وزنه ای نه سنگین اما ناخوشایند و تحمل ناپذیر می داند و کنشهای محافظه کارانه و مصلحت سنجانه وی را با واکنشهای تحقیر و تمسخر آمیز پاسخ داده است.

همه اینها را رهبر راه گم کرده برای کشاندن دوباره مردم به پای صندوقهای رای و برکشیدن یک دولت بی خاصیت، بی دردسر و رام می خواهد که نمکی روی زخمهای التیام ناپذیر وی در ایام پایانی حیات بیولوژیک و سیاسی او نپاشد؛ یک دولت حداقلی که با وی مشورت کرده و او را ستون خیمه نظام می خواند، می تواند از درد این بیمار محترز بکاهد.

اجازه حرف زدن دادن به برخی اصلاح طلبان با ظاهری موجه تر و کم حاشیه دارتر با توانایی بازخوانی نوستالژی کاذب گفتمان و حاکمیت قانون و کلید تدبیر و امید و افسانه آزادی محبوسین خانگی، استراتژی کم هزینه و مناسبی برای جلوگیری از خانه نشینی طبقات متوسط، تحصیل کرده و جوان در آخرین جمعه اردیبهشت، بدون الزام عملی به ایجاد تغییرات ماهوی و بنیادی در رویکرد سیاسی خامنه ای است.

چه باید کرد؟

در پایان نمایش انتخابات با فرض برنده شدن اصلاح و امید و تصاحب دایره کوچک باز هم قدرت اصلی سیاسی رژیم، نهادهایی چون قانون اساسی ارتجاعی و شورای نگهبان آن، قدرت نظامی و انتظامی در دست سپاه و بسیج و نیروی انتظامی، و قدرت اقتصادی هم در اختیار بیت الفساد خامنه ای و بنیادهاست و دولت تنها بازوی اجرایی و بوروکراتیک همین سازوکار فاسد است.

تجربه چند باره انتخابات گذشته نشان داده که جریان اصلاح طلبی یا اعتدال هرچه بیشتر از شعارهای اصلاح طلبانه دست کشیده و به خود را بیشتر به بدنه حاکمیت چسبانده. عقب نشینی از گفتمان حاکمیت قانون خاتمی و کلید اعتدال و امید روحانی هرچه بیشتر اصلاح و اصول را به هم شبیه کرده است.

در این میان اما آنچه مثل همیشه از چشم ولی وقیح و بخشهای دیگر

حاکمیت بی بصیرت پنهان مانده و خواهد ماند، وضع اسفناک اقتصادی و اجتماعی کشور، تعطیلی صنایع، نابودی زیست محیطی، فقر، فحشا، اعتیاد و گور خوابی، تجارت زنان و دختران، زخم خوردگان سیل و ریزگرد و پلاسکو و اعدام و شکنجه است. خشونت خانگی و اجتماعی، بی سوادی و عوام زدگی و رواج خرافات به گونه ای سرطانی ایران را در بر گرفته و می رود تا به انفجار برسد. اعتراضات نیروهای کارگر، معلم و پرستار، هر روز پر جوش تر و منسجم تر به پیش می رود. اعتراضهای روز افزون به آسیبهای زیست محیطی، تخریب آثار تاریخی و فرهنگی و تبعیض های نژادی و مذهبی اشکال مدنی اعتراض به کل حاکمیت اند. تحریم انتخابات به وسیله فعالان سیاسی و زندانیان رنج کشیده شاخصی چون دکتر محمد ملکی، هاشم خواستار و ارژنگ داوودی که نمادها و سرمایه های جنبش آزادی خواهانه ی ایران علیه ارتجاع جمهوری اسلامی هستند، باید چشم بند دموکراسی صندوق رای را از چشم توده ها بردارد.

گزینه رای ندادن منفعلانه به تنهایی کافی نیست؛ باید ردیالانه بودن اصل و اساس هر انتخابی از این دست را که در واقع پذیرش و تایید رژیم قهقرایی و فاسد جمهوری اسلامی است، فریاد زد و به تحریم آن فراخوان داد.



کاندیدای یک جنایتکار شناخته شده برای نمایش انتخاباتی

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر شنبه ۱۹ فروردین

بحران نمایش انتخاباتی با ورود ابراهیم رئیسی، از معروف ترین جنایتکاران، وارد دور جدیدی خواهد شد. همزمان با تشتت و صف گوناگون کاندیداها، سرانجام روز پنجشنبه ۱۷ فروردین، کاندیداتوری ابراهیم رئیسی از طرف نماینده وی اعلام شد. با مروری بر جایگاه بازیگران انتخاباتی به این سوال می رسیم که این بار شیوه مهندسی ولی فقیه برای انتخابات ریاست جمهوری چگونه خواهد بود؟ ولی فقیه برای قطبی نکردن انتخابات و هراس از تکرار رویدادهای سال ۱۳۸۸، مانع ورود احمدی نژاد به رقابت انتخاباتی شد. اما تنور انتخابات باید گرم شود و رئیسی می تواند یکی از بازیگران مطرح در این خیمه شب بازی شود. با توجه به دستمایه ناکارآمد دولت روحانی و بی خاصیتی کلید او در حل بحران اقتصادی، کاندیدای طرف مقابل با شعار عمل به اقتصاد مقاومتی وارد میدان شده است. اما همان طور که کلید روحانی نتوانست برای بحران اقتصادی و بیکاری چاره ساز باشد، هر کس دیگری هم به جای او بر کرسی ریاست نشیند نمی تواند بر بحران غلبه کند. اما مساله ورود رئیسی که یکی از اعضای هیات مرگ بوده، جنبش دادخواهی مردم ایران را وارد مرحله جدیدی خواهد کرد.



ابراهیم رئیسی همراه با دیگر اعضای هیات مرگ متشکل از حسین علی نیری، مصطفی پورمحمدی و مرتضی اشراقی اجرا کننده فتوای خمینی برای قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ بودند. انتشار فایل صوتی جلسه اعضای هیات مرگ با منتظری در ۲۴ مرداد ۱۳۶۷، سند معتبری برای کشاندن ابراهیم رئیسی به دادگاههای بین المللی

جهت پاسخگویی به جنایت انجام شده در زندانهای ایران است. بر این منظر ویژگی این دور نمایش انتخاباتی در صورت ادامه حضور رئیسی در کاندیداتوری، مطرح شدن کشتار دهه ۶۰ تا ۶۷ و گسترده تر شدن جنبش دادخواهی خواهد بود. خواست جنبش دادخواهی مبنی بر شناخت حقیقت آن چه که بر فرزندان ایران زمین در زندانها رفت، چرایی اعدام، قتلهای دسته جمعی، گورهای دسته جمعی و محل دفن و نام و تعداد آنها یک خواست ملی و مردمی است که نمی توان در برابر کمپین «رئیسی بیا رئیسی بیا» بی تفاوت بود. جنبش برای فراموش نشدن و عدم تکرار جنایت هولناک در زندانها، نمایش انتخاباتی را از دریچه جدید به چالش می کشد.

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com

از کُمدی ثبت نام چه کسی سود می برد؟

منصور امان

فراسوی خبر... چهارشنبه ۳۰ فروردین

در این تردیدی نیست که اکثریت توجه پذیرای از ۱۶۳۶ نفری که برای ایفای نقش ریاست جمهوری ثبت نام کرده اند، با خمیرمایه ای از جدی نگرفتن و تمسخر نمایش انتخاباتی "نظام" پا به وزارتخانه حکومتی گذاشته اند. همزمان از یاد نباید برد که صحنه گردانان انتخابات به خوبی می توانند تخمین بزنند که به ابتدال کشانده شدن آشکار نمایش مشروعیت چه بازتاب داخلی و خارجی خواهد داشت. بنابراین پرسش این است که راه برای روی صحنه رفتن این کُمدی با چه انگیزه ای باز گذاشته شده و کدام هدف را تامین می کند.

نخستین احتمال می تواند تلاش برای کاهش جایگاه ریاست جمهوری در هیرارشی قدرت باشد. هر گاه این مقام، پُستی نشان داده شود که هر کس بدون هیچ پیش شرطی می تواند بر آن تکیه زند و مسیر ورود به آن با طنز و کاریکاتور سنگفرش شده، آنگاه می توان وزن آن را در توازن قدرت نیز با همین معیار نازل سنجید و براساس وزن کشی صورت گرفته در وزارت کشور، مناسبات با آن را تنظیم کرد.

کاهش اعتبار مقام ریاست جمهوری، در همان حال که کنار گذاشتن آن را از پروسه تعیین سیاستهای کلان همچون "برجامهای دو و سه و غیره" آسان تر و با چالش کمتر همراه می سازد، همزمان به ویژه در میان بدنه حکومت، می تواند شکاف ناشی از اختلافها را با این زیر سازی کاهش دهد.

برای قدرت حقیقی یعنی آقای خامنه ای که از موضع ضعف به شراکت جناح میانه حکومت و سپردن قوه مجریه به آن تن داده است، سبک یا سنگینی وزنی که قدرت حقوقی در ترازوی حکومت خواهد داشت، یک مساله کلیدی است. از همین روست که به موازات تبلیغ ثبت نام در تلویزیون و رسانه های تحت پایش باند حاکم، مهندسی انتخابات برای به حداقل رساندن آرای نامزد رقیب با شدت و حرارت در جریان است.

احتمال دُوم یک دلیل بُنیادی تر را مبنای خود دارد. به حاشیه کشاندن مقام ریاست جمهوری، به گونه غیرمستقیم در خدمت خیز پیشین آقای خامنه ای برای حذف این مقام و جایگزینی آن با سیستم پارلمانی قرار دارد. او در مهر ماه ۱۳۹۰ و در اوج کشمکش با پادوی یاغی شده اش، آقای محمود احمدی نژاد، موضوع تبدیل نظام ریاستی به پارلمانی را به میان افکند.

آقای خامنه ای به این وسیله بر فرمول تشریفاتی ریاست جمهوری که در جوهره با اختیارات و اقتدار "رهبر" ناهمگون است، به سود خویش غلبه می کرد و تقسیم نمایشی قدرت که مشروط به التزام حقیقی رییس جمهور بدان می گردید را از دایره بوروکراسی بیرون می راند.

گرچه ناگزیری حل بحران هسته ای فرصت عملی ساختن این نقشه را به او نداد، اما شکست پروژه هسته ای و عقب نشینی تراز "جام زهری" در برابر طرفهای خارجی که ضربه ای جدی به موقعیت انحصاری آقای خامنه ای به شمار می رود، ضرورت تحکیم قدرت در داخل و زیر "خیمه نظام" را دوچندان ساخته است.

یکپارچه سازی دستگاه بوروکراسی زیر ناخن خود، یک راهکار مفید در این راستا می تواند باشد، هدفی که از هم اکنون و از میز ثبت نام حرکت به سوی تحقق آن آغاز گردیده و چهار سال دیگر نیز برای فراهم کردن فضای پذیرش فرجه دارد. هر احتمالی که بتوان برای مضحکه وزارت کشور پنداشت و انگیزه پشت پرده آن از هر حفره جناحی یا ساختاری که سر بیرون آورده باشد، در نهایت اما نتیجه جانی اش بی اعتباری دوچندان نمایش انتخاباتی حکومت است. جامعه به دلقک وارگی حکومت مُستبد که جامه گشاد انتخابات به تن کرده با ریشخند می نگرد و نام خود را هم زیر این داوری ثبت می کند.

کانال تلگرام رادیو پیشگام

@radiopishgam

<https://telegram.me/radiopishgam>

چالشهای معلمان در فروردین ماه (۹۶)

فرنگیس بایقره

انتشار خاطرات زندان رسول بداقی

حقوق معلم و کارگر، ۲۱ فروردین - "تاوان معلمی" خاطرات زندان رسول بداقی، فعال صنفی معلمان است که در وب سایت "حقوق معلم و کارگر" در چند بخش منتشر می شود. رسول بداقی، دبیر پیشین دبیرستانهای اسلام شهر و عضو ارشد کانون صنفی معلمان است که در جریان اعتراضهای سال ۸۸، در شهریور ماه این سال بازداشت و محاکمه شد.



عضو هیات مدیره انجمن صنفی معلمان ایران در دادگاه انقلاب به اتهام "فعالیت تبلیغی علیه نظام" و "تبانی و تجمع به قصد برهم زدن امنیت ملی" به ۶ سال زندان و پنج سال محرومیت از فعالیتهای اجتماعی محکوم شد.

شهریور سال ۱۳۹۴ و در حالی که دوران محکومیت شش ساله بداقی به پایان می رسید، پرونده دیگری برای او تشکیل شد و

دادگاه این بار او را به اتهام "اقدام علیه امنیت ملی" به سه سال حبس دیگر محکوم کرد. بداقی در دوران محکومیت مدتی را در زندانی انفرادی به سر برد و بارها دست به اعتصاب غذا زد. او همچنین با انتشار نامه های فردی و امضای بیانیه ضمن اعتراض به وضعیت خود و دیگر زندانیان سیاسی، خواستار رسیدگی مجامع بین المللی شد. رسول بداقی در اردیبهشت ماه سال گذشته پس از تحمل هفت سال حبس از زندان اوین آزاد شد. او در بخشی از خاطراتش می نویسد: "وارد سلول انفرادی شدم، فقط به هدفم می اندیشیدم (معیشت فرهنگیان، مدارس دولتی، مدارس استاندارد، سالن ورزشی برای دانش آموزان و معلمان، کتابخانه مدارس، هنر در مدرسه، مسابقات علمی و ورزشی بین دانش آموزان، بین معلمان، ورزشگاههای رایگان، گردش علمی برای دانش آموزان و معلمان، بودجه آموزش محور، آموزش و پرورش که محور توسعه باشد و...)". به این می اندیشیدم که آیا مرگ من کمکی به رسیدن به این اهداف خواهد کرد یا خیر؟ اگر اینگونه می شد، به مرگ خودم راضی بودم. وارد سالن شدم. سالن بوی مرگ می داد. شعله های آتش کینه و عقده و ناکامی از درون سلولهای سیاه زبانه می کشید."

تنبیه بدنی دانش آموز؛ استعفای مدیر آموزش و پرورش

رییس روابط عمومی آموزش و پرورش استان کرمان اعلام کرد: "مدیر دولت تدبیر و امید در شهرستان رودبار در راستای احترام به افکار عمومی از سمت خود استعفا کرد."

امید سلاجقه در مورد تنبیه بدنی دانش آموز رودباری گفت: "با وجود اینکه مکررا اعلام نموده ایم که تنبیه بدنی در مدارس ممنوع است و با متخلفان برخورد می گردد، متأسفانه این اتفاق در شهرستان رودبار جنوب رخ داده است." وی ادامه داد: "با توجه به تکرار تنبیه بدنی توسط یک معلم خاطی در شهرستان رودبار جنوب، اسماعیل پهلوانی، مدیر آموزش و پرورش این شهرستان، در راستای احترام به افکار عمومی و پاسخگو بودن مسوولان در دولت تدبیر و امید از سمت خود استعفا کرد." سلاجقه گفت: "مدیر و معلم متخلف نیز به هیات رسیدگی به تخلفات اداری معرفی شده اند تا مطابق ضوابط با آنها برخورد شود."

قتل معلم بر اثر تیراندازی در سیستان و بلوچستان

آنا، ۲۷ فروردین - علیرضا نخعی، مدیرکل آموزش و پرورش استان سیستان و بلوچستان درباره جزییات قتل یک معلم در این استان گفت: "یکی از معلمان پایه سوم مدرسه ۱۵ خرداد روستای پوتاپ واقع در شهرستان نیکشهر، روز گذشته پس از اقامه نماز مغرب و عشا، توسط یکی از اقوامش به ضرب گلوله جان خود را از دست داد." وی افزود: "علت حادثه هیچگونه ارتباطی به جایگاه معلم و آموزش و پرورش ندارد و گویا قاتل به دلیل نزاع و اختلافات خانوادگی دست به چنین اقدامی زده است." نخعی خاطرنشان کرد: "معلم فوت شده یکی از نیروهای استخدامی وزارت آموزش و پرورش استان بوده است."

وضعیت آسیب سیل به مدارس استان آذربایجان شرقی



تسنیم، ۲۷ فروردین - روز جمعه ۲۵ فروردین در آذربایجان شرقی، سیل حدود ۴۰ نفر را در شهرهای آذرشهر و عجب شیر به کام مرگ کشاند و به تاسیسات زیربنایی برخی مناطق استان آسیب جدی وارد کرد. در این رابطه جعفر پاشایی، مدیرکل آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی، گفت: "سه منطقه آموزش و پرورش گوگان، آذرشهر و عجب شیر درگیر سیل بودند. هفت مدرسه در مناطق ذکر شده دچار آسیب شده اند، دو مدرسه در منطقه گوگان، سه مدرسه در عجب شیر، یک مدرسه در ناحیه ۴ تبریز روستای ليقوان و یک مدرسه در مراغه. وی افزود: "گل و لای در محوطه و حیاط مدرسه و بعضا کلاسهای درس مشاهده می شد، اما تخریبی نداشتیم و توانستیم با بسیج امکانات آموزش و پرورش، گل و لای را از محوطه مدارس خارج کنیم و هم اکنون مشکلی برای حضور دانش آموزان در کلاسهای درس وجود ندارد." وی گفت: "با توجه به تعطیلی مدارس در این روز، تلفات جانی نداشتیم"

تجمع معلمان بازنشسته مقابل سازمان برنامه و بودجه

ایلنا، ۲۸ فروردین - شماری از معلمان بازنشسته کشور مقابل سازمان برنامه و بودجه تجمع کردند. این چندمین بار در ماهها و هفته های جاری است که معلمان بازنشسته مقابل مجلس و نهادهای ذیربط دیگر تجمعات اعتراضی برگزار می کنند. یکی از بازنشستگان حاضر در تجمع گفت: "خواسته ما پرداخت مطالبات مزدی از جمله پاداش پایان خدمت، اجرای صحیح همسان سازی مستمریها و ارتقا خدمات درمانی بیمه تکمیلی است."

۷ هزار و ۸۰۰ کلاس درس در آذربایجان شرقی تخریبی هستند

خبرگزاری فارس، ۳۰ فروردین - مدیرکل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس آذربایجان شرقی با بیان اینکه از مجموع ۲۳ هزار و ۷۰۰ کلاس درس استان، فقط ۹ هزار و ۶۳۷ کلاس مستحکم و ایمن وجود دارد، گفت: ۶ هزار و ۲۵۷ کلاس درس نیمه مستحکم و ۷ هزار و ۸۰۰ کلاس درس غیرمستحکم در استان نیازمند مقاوم سازی و تخریب و بازسازی است. محمدرضا عیدی ابراز امیدواری کرد که مشارکت خیران به ساماندهی سریع این وضعیت کمک کند. وی اضافه کرد: "حدود ۳۵ درصد از اعتبار ۱۰۸ میلیارد تومانی اداره کل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس استان از محل منابع دولتی در سال ۹۵ تخصیص پیدا کرده است."

معوقات دانشجو معلمان ورودی ۹۳ هنوز پرداخت نشده است

خبرگزاری فارس، ۳۰ فروردین - سرپرست دانشگاه فرهنگیان با بیان اینکه معوقات دانشجو معلمان ورودی ۹۳ هنوز پرداخت نشده است، گفت: "برای تخصیص اعتبار معادل دانشگاه های کشور باید چانه زنی کنیم که تاکنون راه به جایی نبردیم."



محمود مهرمحمدی ضمن اشاره بر فراهم نشدن شرایط پرداخت معوقات دانشجو معلمان ورودی ۹۳ و با بیان اینکه همچنین بخشی از معوقات دانشگاه درقبال خدماتی که به آموزش و پرورش ارایه کرده هنوز باقی است، ابراز امیدواری کرد با دستور وزیر آموزش و پرورش این بخش از معوقات نیز محقق شده و دانشگاه از این شرایط ناخوشایند اعتباری به مدد این پرداختها خارج شود.

تشکیل شورای هماهنگی مووسسان مدارس غیردولتی در استانها

ایسنا، ۳۰ فروردین - معاون وزیر آموزش و پرورش و رییس سازمان مدارس غیردولتی با اشاره به تشکیل شورای هماهنگی مووسسان مدارس غیردولتی در سطح استانها برای نخستین بار، گفت: "تفویض اختیارات به شوراهای هماهنگی مووسسان حرکتی بسیار جدی در راستای تمرکز زدایی در آموزش و پرورش قلمداد می شود." مرضیه گرد افزود: "ما در این زمینه دو نقش داریم. نخست دعوت از دستگاهها در حوزه برون سازمانی و استفاده از ظرفیتهای بیرون از وزارتخانه و دوم استفاده از مشارکت سرمایه گذاران آموزشی در مدارس غیردولتی." وی گفت: "در حال حاضر نقش مووسسان مدارس جدی تر از قبل شده است. نگاه وزیر آموزش و پرورش نیز این است که اختیارات تا جای ممکن به مدارس و مناطق تقسیم شود و ما در ستاد نقش حمایتی و نظارتی مان را تقویت کنیم. در همین راستا برای نخستین بار شکل گیری شورای هماهنگی مووسسان مدارس غیر دولتی را ابلاغ کردیم تا این افراد در کنار مسوولان آموزش و پرورش باشند. امیدواریم نمایندگان این شوراها در نهادهایی چون سازمان تامین اجتماعی هم حضور پیدا کنند." مرضیه گرد با اشاره به تفویض اختیارات به شوراها نظیر صدور مجوز برای مراکز و مسوولیت نظارت بر آنها اظهار کرد: "نظارت بر نحوه اجرای الگوی شهریه نیز به شوراهای مناطق واگذار شده و ما معتقدیم کیفیت بخشی به مدارس زمانی رخ می دهد که اختیار را به موسس و مدیر بدهیم و بعد بر عملکرد آنها نظارت کنیم."

تجمع فرهنگیان زنجان برای تعیین تکلیف پروژه ۱۱۹۶ واحدی مسکن مهر

تسنیم، ۳۱ فروردین - فرهنگیان زنجان برای تعیین تکلیف پروژه ۱۱۹۶ واحدی مسکن مهر مقابل استانداری زنجان تجمع کردند. پروژه مسکن فرهنگیان زنجان در حالی یازدهمین سال احداث را پشت گذاشته که بر اساس قرارداد اولیه باید در سال ۸۸ و قرارداد بعدی با احتساب تاخیرها، در سال ۹۴ واگذار می شد.



معاون توسعه مدیریت و پشتیبانی آموزش و پرورش استان زنجان امروز در تجمع اعتراض آمیز فرهنگیان همزمان با آنکه مدعی شد پروژه مسکن فرهنگیان پونک ۹۰ درصد پیشرفت فیزیکی دارد، ابراز کرد: "پیمانکار آن طور که باید و شاید به تعهدات عمل نکرده است." یعقوبعلی عبادی به معترضان وعده داد: "در جلسه ای که با مدیرکل سیاسی و امنیتی استانداری و نمایندگان اعضا برگزار شد، مقرر شد تا در مدت یک هفته همه دستگاههای ذیربط را دعوت کنند تا پروژه تعیین تکلیف شود."

نزدیک به دو هزار خانواده فرهنگی، بیشتر از یازده سال است که در انتظار اتمام پروژه یک هزار و ۱۹۶ واحدی فرهنگیان زنجان هستند. یکی از متقاضیان پروژه فرهنگیان با گلایه از انتظار ۱۰ تا ۱۲ ساله می گوید که حقوق یک فرهنگی مگر چقدر است که هم اجاره خانه دهد هم قسط وام خانه های تحویل داده نشده را دهد و هم خرج زندگی را تامین کند؟"

دانشگاه در ماهی که گذشت (فروردین ۹۶)

کامران عالمی نژاد

انتقاد ۳۵ تشکل دانشجویی از انفعال دولت در برابر فشارهای فزاینده امنیتی

۳۵ تشکل دانشجویی در بیانیه ای مشترک نسبت به افزایش فشارهای امنیتی در جامعه و دانشگاه هشدار داده و از بی عملی دولت در برابر آن به انتقاد پرداختند. در بیانیه مزبور از جمله آمده است: "خبرهای نگران کننده روزهای پایانی سال مبنی بر فشارهای فزاینده امنیتی و بازداشت تعدادی از فعالان مدنی، روزنامه نگاران، فعالان حوزه رسانه و شبکه های مجازی، علاوه بر ایجاد ارباب در میان فعالان، بسیاری از شهروندان را نیز آزرده است. این در حالی است که به جز ابراز نگرانی در قبال این اتفاقات هیچ اقدام عملی، از سوی دولت و نمایندگان در مجلس صورت نمی گیرد." دانشجویان افزوده اند: "وضعیت دانشگاهها به مراتب بغرنج تر است. ماههاست فعالان دانشجویی حوزه های مختلف، از فعالان حوزه نشریات تا فعالان صنفی و تشکلهای دانشجویی، تحت فشارهای مختلف، خارج از سازوکارهای داخلی دانشگاهها قرار دارند و متحمل هزینه های گوناگون شده اند." بیانیه تاکید کرده است: "جای نگرانی است که دولتی که شعارش "دانشگاه امن" بود، می تواند در قبال این اتفاقات تا این حد منفعل و نظاره گر باشد به گونه ای که وزارت علوم و بهداشت این دولت عملاً دانشگاهها را به حال خود رها کرده." در پایان دانشجویان ابراز امیدواری کرده اند "تلنگر اخیر و به خطر افتادن منفعت دولت در نزدیکی انتخاباتهای پیش رو، از طریق بازداشت ادمینهای کانالهای تلگرامی، این دولت را وادار کند بالاخره به مساله ورود کرده و جلوی این رویه های خطرناک بایستد." (دانشجو آنلاین، ۷ فروردین)



ابلاغیه جدید برای پولی سازی از دانشجویان دکتری

با وجود اینکه تمامی دانشگاههای کشور در تعطیلات آغاز سال نو قرار دارند، روز پنجشنبه ۳ فروردین، وزارت علوم در یک اقدام عجیب آیین نامه جدیدی برای دانشجویان دکتری ابلاغ کرد. دستورالعملهای این آیین نامه که در سایت این وزارتخانه منتشر شده، برای دانشجویان ورودی سال ۹۵ به بعد اعمال خواهد شد. نگاهی به بندهای این آیین نامه مشخص می کند که خیز وزارت علوم برای تبدیل دانشگاهها به دکانهای آموزشی باوجود اعتراضات گسترده دانشجویان شتاب گرفته و در این میان از فرصت تعطیلات دانشگاهها و دانشجویان استفاده کرده است تا با اعتراضات دانشجویان مواجه نشود. دانشجویان مقطع دکتری که در این سالیان به رباتهایی برای تحقیقات اساتید تبدیل شده و تمامی دستاوردهای علمی شان به جیب اساتید ریخته می شود، در کنار نبود رسیدگی و حمایتهای مالی و رفاهی و نبود امکانات و تجهیزات کافی برای تحقیقات در دانشگاهها، با ابلاغیه جدیدی که آینده تحصیلی و شغلی آنها را تهدید می کند، مواجه شده اند. تغییرات اعمال شده در این ابلاغیه، در جهت هر چه گسترده کردن و پیشروی سیاست پولی سازی آموزش و نادیده گرفتن حق آموزش رایگان و اعتراضات دانشجویان است. از جمله تغییرات اعمال شده در این آیین نامه عبارت است از:

۱- در ماده ۹ آیین نامه با کاهش یک ترم نسبت به قبل، حداکثر دوره مجاز تحصیل ۳ تا ۴ سال اعلام شده است و ترم مجاز اضافه شده به این سالها دو ترم است که دانشجویان ترم ۹ را رایگان و ترم ۱۰ را با پرداخت هزینه ای که هیات امنای تعیین کند، می گذرانند. به هزینه های رفاهی و غذا و غیره هیچ اشاره ای نشده است و این یعنی باز گذاشتن دست دانشگاه برای تحمیل هزینه های هرچه بیشتر به دانشجویان.

۲- ماده ۱۱ آیین نامه از تحمیل هزینه دیگر بر دانشجویان خبر می دهد و آن هم پرداخت هزینه برای دروس افتاده و حذف شده توسط دانشجویان است؛ ماده ای که در ابلاغیه سنوات دانشجویان ارشد هم اعمال شده و در سال گذشته با اعتراضات گسترده دانشجویان روبرو شد. اکنون شاهد هستیم که با اعمال چنین ابلاغیه هایی، تحصیل رایگان به "خاطره" تبدیل می شود و دانشگاهها دیگر جای فرزندان طبقه مرفه جامعه خواهند شد و استعداد و علاقه هیچ تاثیری در آینده جوانان نخواهد داشت. (من یک دانشجو هستم، ۹ فروردین)

اعتراض در جندی شاپور نسبت به اسکان افراد متفرقه در خوابگاهها

امسال عید در نبود دانشجویان، عده ای غیر دانشجو را به خوابگاه دانشجویی علوم پزشکی جندی شاپور اهواز آورده بودند که همه وسایل دانشجویان را برهم زده و وسایل آنها را در انبار ریخته بودند.



در همین رابطه یکی از دانشجویان این خوابگاه می گوید: "قرار نبود برای عید در نبود ما کسی وارد خوابگاه شود، ولی بعد از عید که وارد خوابگاه شدیم، دیدیم که همه وسایل مان را جمع کرده اند و بدون اجازه همه چیز را در انبار ریخته اند! و این نفرات غیر دانشجو، بالش و تشکهای ما را هم برداشته بودند. اکنون هیچکس پاسخگوی این وضعیت نیست که بالاخره آیا اینجا خوابگاه دانشجویی است و یا مسافرخانه؟" (دانشجو آنلاین، ۱۵ فروردین)

تجمع اعتراضی دانشجویان دانشگاه نوشیروانی بابل

جمعی از دانشجویان دانشگاه نوشیروانی بابل در برابر آمفی تیاتر این دانشگاه نسبت به بدعهدی مسوولان و برخوردهای امنیتی صورت گرفته و همچنین در اعتراض به نقض تفاهم نامه شورای صنفی با مسوولان دانشگاه دست به تجمع اعتراضی زدند.



در پلاکاردهای دانشجویان از جمله نوشته شده بود:
 "مسوولان محترم لطفا از مسوولیتهای خود فرار نکنید"
 "ما در مقابل کارشکنیهای نهادهای امنیتی و انضباطی سکوت نمی کنیم"
 "دانشجو می میرد، ذلت نمی پذیرد"
 "از دفترهای خود بیرون بیایید و برای فرار از پاسخگویی، دانشجویان را تهدید نکنید"

"ما از وعده های دروغین خسته شده ایم"

در این تجمع، شورای صنفی دانشجویان اعلام کرد: "ما از ریاست دانشگاه نوشیروانی درخواست داریم تا در جمع تجمع کنندگان حاضر شود و نسبت به سوالات دانشجویان پاسخگو باشد. بی شک دانشجویان این عدم پاسخگویی در بدنه وزارت علوم را از یاد نخواهند برد، کما اینکه وزیر علوم نیز چند سالی است در برابر اعتراضات، نامه ها و درخواستهای صنفی دانشجویان سکوت کرده است."

بنا بر توافق انجام شده میان شورای صنفی و هیات ریسه دانشگاه، برگزاری جلسه علنی از اختیارات شورا و مسوولان می باشد که تا این لحظه از انجام آن خودداری ورزیده و سعی در امنیتی کردن فضا در جهت سرکوب صدای دانشجویان دارند."

در این تجمع دبیر شورای صنفی دانشجویان پیرامون مسائل موجود سخنرانی کرد. (من یک دانشجو هستم ، ۲۱ فروردین)

جلوگیری از ورود ۲۰ دانشجوی دختر به خوابگاه توسط حراست



حدود ۲۰ تن از دانشجویان دختر دانشگاه حکیم سبزواری در مقابل درب دانشگاه توسط نیروهای حراست اجازه ورود به دانشگاه را نیافتند. نیروهای حراست با این دختران دانشجوی با لحن تند و توهین آمیزی رفتار و برخورد کردند. دلیل این اقدام سرکوبگرانه و اجازه ندادن نیروهای سرکوبگر حراست به دختران دانشجوی برای ورود به دانشگاه، قانونی است که رییس دانشگاه برای مسوولان حراست وضع کرده است. بر اساس این قانون دانشجویان دختر از ساعت ۹ شب به بعد حق ورود به دانشگاه را ندارند و باید شب را بیرون از خوابگاه به سر برند.

این ۲۰ تن از دانشجویان دختر فقط به خاطر پنج دقیقه دیر رسیدن از موعد مقرری که رییس دانشگاه برای دانشجویان دختر وضع کرده، به خوابگاه رسیده بودند که با ممانعت حراست مواجه شدند. (دانشجو آنلاین، ۲۲ فروردین)

احضار ۵۰ فعال دانشجویی به مراجع قضایی و تعلیق ۷ انجمن اسلامی

۷۲ انجمن اسلامی دانشجویان در بیانیه ای از احضار ۵۰ فعال دانشجویی به مراجع قضایی و تعلیق ۷ انجمن اسلامی خبر دادند و از "فشار و ایجاد محدودیت" بر سر راه فعالیتهای دانشجویی توسط نهادهای داخل و خارج دانشگاه انتقاد کردند. به گفته این انجمنهای اسلامی، هیاتهای نظارت بر تشکلهای دانشجویی در دانشگاهها با "چینش سخنرانان مراسمها یا دخالتهای فراقانونی در روند برگزاری برنامه های انجمنها، با بهانه مصلحت اندیشی، به صورت سیستماتیک به نقض آشکار قانون روی آورده اند".



در این بیانیه بدون اشاره به تاریخ مشخصی اعلام شده که ۵۰ نفر از فعالان دانشجویی انجمنهای اسلامی و نشریات دانشجویی به مراجع قضایی احضار شده اند.

در این بیانیه ۲۳ مورد از مشکلات انجمنهای اسلامی ذکر شده که از جمله آنها "تهدید و احضار فعالان به نهادهای امنیتی و عدم حمایت از آنها از سوی دانشگاه و وزارتخانه های علوم و بهداشت"، "عدم اعطای مجوز به برنامه های

انجمنها بدون کوچکترین توضیح"، "لغو ناگهانی مجوز صادر شده برای برنامه ها در دقایق آخر، بدون توضیح"، "دخالت نهادهای مختلف دانشگاه از جمله حراست در امور داخلی انجمنها" و "نظارت پیش از چاپ بر نشریات و پوستره های مربوطه" است. (رادیو فردا، ۲۷ فروردین)

تجمع دانشجویان دانشگاه صنعتی سهند تبریز در اعتراض به وضعیت اینترنت

شمار زیادی از دانشجویان خوابگاه امیرالمومنین در دانشگاه صنعتی سهند تبریز در اعتراض به وضعیت نامناسب اینترنت دست به تجمعی اعتراضی زدند.

در این تجمع دانشجویان خواستار این شدند که هر چه سریع تر این وضعیت پایان پذیرد. لازم به یادآوری است که دانشجویان در این دانشگاه با مشکلات زیادی مواجه هستند، از جمله برای چند روز امکان دانلود مقالات از سایت اصلی دانشگاه فراهم نبوده است.

از دیگر مسایل مورد اعتراض دانشجویان، ریزش آب از سقف کلاسهای درس و همچنین خرابی آسانسور است که باعث مشکلات فراوانی برای دانشجویان شده. مسوولان دانشگاه هم هیچگونه رسیدگی برای برطرف کردن این وضعیت انجام نداده اند. (دانشجو آنلاین، ۲۹ فروردین)

کارورزان سلامت (فروردین ۹۶)

امید برهانی

دشواریهای یک شغل سخت و زیان آور



جام نیوز، ۲ فروردین - تابستان سال گذشته اعتراض پرستاران به اجرایی نشدن قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاران که سال ۸۷ تصویب شده، آنها را کمی جلوی دوربینها آورد، اما این تصویر زودتر از آنچه باید فراموش شد. برای آنها در روی همان پاشنه می چرخد.

پرستاران چه حرفهایی دارند؟ چه می بینند؟ چه درگیریهایی دارند و در اصل چرا ده پرستار در سال گذشته به خاطر سختی کار جان شان را از دست داده اند؟

محبوبه، بازنشسته شغل پرستاری است. اینکه می گویم بازنشسته نه اینکه سن و سالش زیاد باشد، در واقع به جای ۳۰ سال کار او با ۲۲ سال کار دیگر سر کار نمی رود. با این حال محبوبه راضی است، چون معتقد است شغل پرستاری فرسوده اش کرده. او می گوید: "من پرستار بیمارستان چمران بودم. یکی دو سال است بازنشسته شده ام. حتما شنیده اید که کار پرستاری را معادل کار معدن در نظر می گیرند و شغل ما جزو مشاغل سخت به حساب می آید. یکی از پررنگ ترین تصاویرم از این شغل، شب بیداری است. بخش پرستاری به طور کلی تا ساعت ۱۲ بیدار است، از ۳ تا چند نفر می خوابند و وقتی آنها بیدار شدند، از ۳ تا ۶ صبح هم گروه دیگر. البته پرستاران بخشهای سزارین و اتاق عمل کلا باید بیدار باشند.

همیشه درگیریهایی وجود دارد و یکی از مهم ترین آن تهدید سلامتی است. به جز این مشکلات، مسایل روحی و روانی، استرس و نگرانی و درگیری عاطفی بیش از هر چیز به پرستاران فشار می آورد.

با این مشکلات، بیمارستان آنطور که باید به پرستاران احترام نمی گذارد. به قول پرستاران آنها نردبانی هستند تا پزشکان از طریق آن به پول برسند، چون همه کارها با پرستار است، آنهم در حالی که حتی رفتار پزشک نیز خیلی وقتها با پرستار درست نیست و بستگی به حال شخصی اش دارد تا حال اجتماعی و حرفه ای.

دیرکرد بی سابقه پرداخت طرح "قاصدک" پرستاران

کاشان اول، ۹ فروردین - یک عضو کادر پرستاری بیمارستان بهشتی کاشان که ترجیح می دهد ناشناس بماند، با اشاره به دیرکرد بی سابقه پرداختیهای بیمارستان به پرستاران اظهار کرد: "اضافه کار پرستاران و کارانه (پرکیس) آنها موسوم به



طرح "قاصدک" حدود هشت ماه است که عقب افتاده و این در حالی است که حقوق ماههای قبل را هم به صورت علی الحساب تسویه کرده اند."

به گفته این منبع آگاه، به جای رسیدگی به شکایات پرستاران و پرداخت معوقات آنها، با کسانی که اعتراض می کنند برخورد های امنیتی و اطلاعاتی می شود؛ طوری که هر صدای اعتراض آمیز را می خواهند در نطفه خفه کنند."

وی ضمن گلایه از بعضی بی عدالتیها گفت: "پرداخت حقوق پرستاران بیمارستان بهشتی دیرتر از سایر بیمارستانها صورت می گیرد و همینطور حقوق پرستاران نسبت به پزشکان ناعادلانه است و این در حالی است که این قشر بیشترین زحمت را کشیده و از بیماران بستری ناملایمات زیادی را متحمل می شود." این پرستار ادامه داد: "درخواست ما منطقی است و حقوق خود را مطالبه می کنیم و اینگونه طرز برخورد صحیح نیست که به ما بگویند الگوی شما حضرت زینب است و حق هیچگونه اعتراضی ندارید." وی تصریح کرد: "حتی به پرستاران این اجازه را نمی دهند که در بیمارستان خصوصی مشغول به کار شوند تا حداقل از این طریق حقوق عقب افتاده خود را جبران کنند." وی خاطر نشان کرد: "قرار بود که پس از برجام، چرخ زندگی مردم هم بچرخد، اما مسوولان در پاسخ به مطالبات ما همیشه به وضعیت نامناسب بودجه و وضعیت اقتصادی اشاره می کنند."

همه طرحهای تصویب شده علیه کار و معاش پرستاران در سال گذشته

نظام پرستاری، ۱۴ فروردین - حسین علی نسائی، عضو شورایی عالی نظام پرستاری کشور، با اشاره به طرحهای مخرب وزارتخانه از جمله کمک پرستاری که جامعه پرستاری را به شدت متاثر کرد، گفت: "تربیت بیمارستانی پرستار، پرداخت مبتنی بر عملکرد که پرستاران را به برده تبدیل کرد و همه قوانین پیشین را نقض کرد نیز از این جمله هستند. در پرداخت مبتنی بر عملکرد، تاکید بر اضافه کار بیشتر است در حالی که قانون ارتقاء بهره وری کارکنان بالینی بر کیفیت کار تاکید دارد و اینکه با میزان اضافه کار کنترل شده، هیچ پرستاری اضافه کار بیش از ۱۲ ساعت نداشته باشد که البته فواید آن همگی متوجه بیمار و مردم خواهد بود."

وی کشور با بیان اینکه طرح تحول سلامت بار کاری برای پرستاران بود، افزود: "پرستاران در این طرح دیده نشده بودند." علی نسائی کلید زدن برخی طرحهای مخرب برای جامعه پرستاری را ناشی از جریان خاص حاکم بر وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و تمامیت خواهی آنها دانست و گفت: "همین موضوع سبب می شود تا آنها منابع را به سمت خاصی سوق دهند و بقیه افراد به عنوان برده در سیستم محسوب شوند."

ردیف	نام بیماری	میزان k در 92	میزان k در 95	میزان رشد	حقالعلاج پزشک در سال 92 (هزار تومان)	حقالعلاج پزشک در سال 95 (هزار تومان)	میزان رشد
1	زایمان طبیعی	13	50	285%	114	924	708%
2	سزارین	17	40	135%	150	739	394%
3	آپاندکتومی (برداشتن آپاندیس)	10	31	210%	88	573	551%
4	گلوکرم (آب سفید)	16	51	219%	141	942	569%
5	خارج کردن تیروئید	19	85	347%	167	1.571	839%
6	کاناراکت لنز (آب مروارید)	28	32.9	18%	246	608	147%
7	آدنوتانسیلکتومی (برداشتن لوزه سوم و لوزهها)	5.2	23.0	342%	46	425	829%
8	آندوسکوپي معده	4.2	10.5	150%	37	194	425%
9	استراییسم (انحراف چشم)	8	45	463%	70	832	1081%
10	خارج کردن پلاک عمقی	4	30	650%	35	554	1475%
11	جراحی قلب باز با چهار گرافت	56	165	195%	493	3.049	519%
12	ماستکتومی رادیکال (برداشتن کامل پستان)	19	45	137%	167	832	397%
1	میانگین						661%

رشد بی قواره هزینه درمان در طرح تحول سلامت + جدول دستمزد پزشکان

خبرگزاری فارس، ۲۰ فروردین - برآورد واقعی افزایش بار مالی ناشی از تغییر در ارزشهای نسبی خدمات درمانی، نشانگر اختلاف قابل توجهی از برآوردهای اولیه در طرح تحول سلامت است.

افزایش ارزشهای نسبی خدمات درمانی با انگیزه واقعی تر کردن قیمت خدمات و مبلغ پرداختی به پزشکان موسسات صورت گرفته تا در مواردی که غیر واقعی است و پزشکان انگیزه آریه خدمت با کیفیت را ندارند،

کیفیت و کمیت خدمات بالا رود. اما با این حال مواردی وجود دارد که با این توجیه همخوانی ندارد. در این موارد با وجود سرانه مراجعه بالای خدمت در طرح تحول سلامت، خدمت مورد نظر با افزایش ارزش نسبی قابل توجهی همراه بوده است که در مجموع منجر به افزایش هزینه غیرمنطقی این خدمات شده است. اعمال تعرفه k2 هیات علمی و پزشکان متخصص تمام وقت از مواردی است که همزمان با طرح تحول سلامت اتفاق افتاد و در هزینه های کل بیمه سلامت مشاهده می شود. سهم این تعرفه از کل هزینه ها در سال ۹۴، در حدود ۱۰ درصد را تشکیل می دهد، در حالی که سهم آن قبل از طرح تحول سلامت فقط ۳ درصد کل هزینه ها بوده است. در بررسی تغییر ارزشهای نسبی، بعد از طرح تحول سلامت در استان تهران بیشترین اختلاف هزینه مربوط به خدماتی است که دفعات مراجعه زیادی داشته است. برای مثال، هزینه درمان استراییسم (انحراف چشم) ۱۰۸۱ درصد بین سالهای ۹۲ تا ۹۵ رشد کرده است. بیشترین تفاوت قیمت دستمزد پزشک نیز در عمل جراحی قلب و خارج کردن تیروئید یا سایر عملهای جراحی دیده می شود.



مرگ پرستار ۲۸ ساله در شیفت کاری

ایلنا، ۲۴ فروردین - روز سیزدهم فروردین یک پرستار شاغل در بیمارستان فیروزگر در حین شیفت کاری جان خود را از دست داد.

پرستار متوفی، مهدیه رضایی نام داشت و در بخش مراقبتهای ویژه بیمارستان فیروزگر به صورت قراردادی مشغول به کار بود. گمانه زنیها حکایت از این دارد که این پرستار به علت فشار کاری شدید دچار ایست قلبی شده است. در عین حال، منابع خبری ایلنا ضمن تایید این خبر، از مشخص نبودن علت مرگ و ادامه تحقیقات برای کشف علت آن خبر دادند.

کمپین "نه" به وزیر بهداشت پزشک و ذینفع

ایلنا، ۳۰ فروردین - با نزدیک شدن به نمایش انتخابات ریاست جمهوری، جمعی از فعالان صنفی پرستاران در فضای مجازی کمپینی تحت عنوان "نه به وزیر بهداشت پزشک و ذینفع" راه اندازی کرده اند.

هدف از این کمپین، حمایت از انتخاب یک غیر پزشک به عنوان وزیر بهداشت در کابینه دولت آینده است. ایجاد کنندگان این کمپین بخشی از مطالبات خود را به این شرح عنوان کرده اند: "انتخاب وزیر غیر ذینفع که البته اگر پزشک باشد ذینفع است، اجرای قوانین بر زمین مانده، اجرای طرح سلامت خانواده (پزشک خانواده و نظام ارجاع)، اصلاح نظام پرداخت در حوزه بهداشت و درمان کشور، کاهش تعرفه های بخش خصوصی تا حدود دو برابر تعرفه های دولتی، اصلاح نظام آموزشی وزارت بهداشت طبق نظر کارشناسان و خارج نمودن دانشگاه های علوم پزشکی از حالت هیات امنایی."

به رادیو پیشگام در آدرس زیر گوش کنید

www.radiopishgam.com

زنان در مسیر رهایی (فروردین ۹۶)

اسد طاهری

برای نخستین بار یک زن رییس اجرایی هنگ کنگ شد



ایسنا، ۶ فروردین - رسانه های چین اعلام کردند، خانم "کاری لام چنگ یوئت-نگور" به عنوان اولین رییس اجرایی زن هنگ کنگ انتخاب شده است.

روزنامه "ساوث چاینا مورنینگ پست" گزارش داده که کاری لام چنگ توانسته از مجموع آرای ۱۱۹۴ نماینده کمیته انتخاباتی هنگ کنگ، با کسب ۷۷۷ رای، به مقام اولین رییس اجرایی زن در تاریخ هنگ کنگ دست یابد.

کاری لام از پایوران اسبق شهر هنگ کنگ است. او ۵۹ سال سن دارد و قرار است در تاریخ اول ژوئیه طی مراسمی کار خود را به عنوان رییس اجرایی جدید هنگ کنگ آغاز کند.

چین در سال ۱۹۹۷ حاکمیت خود بر هنگ کنگ را باز پس گرفت. این منطقه بر اساس اصل "یک کشور دو نظام"، با وجود قرار داشتن در حاکمیت چین، به صورت فرمال از خودمختاری قانونی، اقتصادی و سیاسی برخوردار است.

فتوای چهل و دو روحانی مسلمان هندی علیه دختر خواننده ۱۶ ساله



ایران جوان، ۷ فروردین - خوانندگی یک دختر ۱۶ ساله هندی از سوی روحانیون مسلمان مغایر با شرع تشخیص داده شد و با صدور فتوایی امر نمودند که وی از آوازه خوانی دست بردارد.

"ناهید آفرین"، ۱۶ ساله، یکی از شرکت کنندگان در مسابقه تلویزیونی آوازخوانی به نام **Indian Idol Junior** است. او در سال ۲۰۱۵ در

رقابتهای این مسابقه مقام دوم را کسب کرد؛ امری که با اعتراض گسترده روحانیون مسلمان هند روبرو شده، تا جایی که حتی علیه او فتوا صادر کرده اند. در این فتوا به آفرین امر شده که از آوازخوانی در ملاعام دست بردارد.

در بخشی از این حکم آمده است: "اعمال مغایر با شریعت، مانند اجرای موسیقی در مکانی که بر روی آن مسجد، مدرسه علمیه و یا گورستان بنا شده، با خشم و غضب الله روبرو خواهد شد."

صدور این فتوا، خشم حامیان حقوق زنان را برانگیخت و آنها را به اظهار نظر و واکنش واداشت. آنها با این استدلال که هند کشوری دموکراتیک است و نه کشوری که تحت سلطه طالبان اداره می شود، با ایجاد هرگونه محدودیت برای زنان و دختران مخالفت کردند.

"سربناند سونوال"، استاندار ایالت "آسام" نیز این فتوا را محکوم کرد و شادی آفرین را تحت حفاظت پلیس قرار داد.

جلسه بریفینگ دبیرکل ملل متحد با حضور مدافعان حقوق زنان از سراسر جهان

ایران فانوس، ۸ فروردین - در جریان شصت و یکمین دوره جلسات کمیسیون وضعیت زنان در مقر اصلی ملل متحد در نیویورک، "آنتونیو گوترز"، دبیرکل سازمان ملل، برای نخستین بار یک جلسه بریفینگ برای مسوولان و اعضای سازمانهای غیردولتی زنان از سراسر جهان که در این دوره از جلسات شرکت کرده اند، برگزار کرد.

این جلسه در نوع خود بی سابقه و اولین بریفینگی بود که توسط دبیرکل سازمان ملل شخصاً برگزار می شد. در این جلسه نماینده یکی از سازمانهای مدافع حقوق زنان در سخنرانی خود که مورد توجه دبیرکل سازمان ملل قرار گرفت، به نقض حقوق زنان در ایران اشاره کرد و مواردی از نقض فاحش حقوق بشر علیه زنان از جمله اعدام، اعدام در ملاعام و سنگسار را بر شمرد. وی همچنین درباره وضعیت وخیم زنان در زندانهای رژیم جمهوری اسلامی توضیح داد و به تبعیض فزاینده موجود علیه زنان در زمینه کار و امور اقتصادی پرداخت که موضوع اخص جلسات شصت و یکمین دوره کمیسیون وضعیت زنان سازمان ملل متحد است. وی از دبیرکل سازمان ملل خواست با توجه به نهادینه بودن سرکوب اقتصادی و اجتماعی علیه زنان در ایران، نسبت به وضعیت زنان ایرانی توجهات لازم را مبذول دارد. دبیرکل ملل متحد ضمن تشکر از اظهارات و شهادت سخنرانان و شهادت ارایه شده درباره وضعیت زنان در ایران، تاکید کرد که اسناد عنوان شده را مطالعه کرده و تصمیمهای مقتضی را اتخاذ خواهد کرد.

محرومیت پنج عضو تیم بیلارد زنان به دلیل عدم رعایت شئون اسلامی

خبرگزاری هرانا/ سفیدک، ۱۱ فروردین - بانوان اعزامی به مسابقات آزاد چین به دلیل آنچه "عدم رعایت شئون اسلامی" گفته شده، به یک سال محرومیت محکوم شدند.

فعالتهای ورزشی زنان هر روز گسترش بیشتری پیدا می کند، اما حضور آنها در میدانهای ورزشی به ویژه در خارج از کشور، همچنان با موانع فراوانی روبروست.

کمیته انضباطی فدراسیون بولینگ، بیلارد و بولس اعلام کرد بانوان اعزامی به مسابقات آزاد چین به دلیل "عدم رعایت شئون اسلامی" به مدت یک سال از حضور در تمامی مسابقات داخلی و خارجی محروم می شوند.

این کمیته همچنین اعلام کرد اسامی متخلفان متعاقباً و به صورت کتبی به هیاتهای استانی مورد نظر اعلام خواهد شد. یک منبع حکومتی با انتشار جزییات بیشتری از علت محرومیت این ورزشکاران نوشت، آنها به علت "رعایت نکردن حجاب اسلامی و انتشار تصاویر ناهنجار" مجازات شده اند.

بسیاری از زنان زندانی قربانی جرایم همسر یا پدر خود شده اند

انتخاب، ۱۳ فروردین - با اینکه تعداد زنان زندانی جرایم غیرعمد زیاد نیست، اما بیشتر آنها قربانی چکها و معاملات خانوادگی شدند. شهیندخت مولوردی، معاون روحانی در امور زنان و خانواده، گفت: "حدود یازده هزار زندانی جرایم غیرعمد اعم از زن و مرد داریم که خیلی از زنان ناخواسته قربانی جرایم همسران و پدران خود شده اند یا عدم آگاهی و تسلط در مباحث مالی و تجاری آنها را به زندان کشانده. حضور این زنان در زندان می تواند تبعات زیادی برای فرزندان و خانواده های شان داشته باشد."

وزیر کابینه اردوغان: یک بار تجاوز تاثیری بر روحیه کودک ندارد



جهان زن، ۱۹ فروردین - "سیما رمضان اغلو"، وزیر امور اجتماعی و خانواده ترکیه، گفته است که یک بار مورد تجاوز جنسی قرار گرفتن تاثیری بر روحیه کودکان ندارد. او این حکم را زمانی صادر نمود که افتضاح تجاوز جنسی به ۴۵ کودک در مدارس اسلامی متعلق به موسسه "انصار فونديشن" در آن کشور جنجال بزرگی به پا کرده است.

اکثر مردم ترکیه که قبلاً از تجاوز جنسی بر کودکان خشمگین بودند، حال

در رسانه ها و شبکه های اجتماعی خواهان برکناری و محاکمه این وزیر شده اند و معتقدند که او با این حرفها بر زخم خانواده هایی که کودکان شان مورد بدرفتاری قرار گرفته اند، نمک پاشیده است.

پیش از این نیز همسر رجب طیب اردوغان، رییس جمهور ترکیه، با تمجید از حرمسراهای امپراتوری عثمانی، مورد انتقادات تند زنان در آن کشور قرار گرفت. "امینه اردوغان" در سخنرانی به مناسبت روز جهانی زن، حرمسراهای سلاطین عثمانی را "مکتبی برای زنان" نامید.

"جانکورتاران"، معاون رییس حزب "جمهوری خلق ترکیه"، در واکنش تندی نسبت به گفته های همسر اردوغان "گفت: "اظهارات ایشان ناشی از عدم کارکرد عقل نیست، بلکه نشانه انجماد فکری اوست."

آن زن حامله و سان دیدنی که تاریخی شد



دوپیچه وله، ۱۸ فروردین - خانم "کارمه خاسون"، چهره قدرتمند عرصه سیاست اسپانیا، درگذشت. او جزو معدود حقوقدانان اروپا بود که قبل از سی سالگی در این رشته پرفسور شد.

خاسون سال ۲۰۰۸ به عنوان جوانترین عضو کابینه اسپانیا و در هفتمین ماه حاملگی، تصدی وزارت دفاع را به عهده گرفت. همان روز با شکمی برآمده از نیروهای ارتش سان دید و یکروز بعد هم در اوج حاملگی به افغانستان رفت و از نیروهای اسپانیا بازدید کرد. تصاویر این دو رویداد آن روزها در صدر عکسهای رسانه های خبری نشست و شاید همیشه در یادها بماند.

تصاویر خاسون حامله در مقام وزیر دفاع، ذهن را ناخود آگاه به سوی

مباحث مجلس خبرگان در اوایل قدرت گرفتن رژیم جمهوری اسلامی سوق می داد. در آن مجلس یکی از دلایل مخالفت با رییس جمهور شدن زنان و منحصر کردن آن به "رجال سیاسی"، این بود که زنان چون پرپود و حامله می شوند، ممکن است در کار ریاست جمهوری اخلال شود.

خاسون دیروز در سن چهل و پنج سالگی به دلیل نارسایی قلبی مادرزادی درگذشت.

حبس ابد در انتظار پزشک آمریکایی که دختران را ختنه می کرد

بی بی سی ۲۵ فروردین - یک پزشک در شهر دیترویت آمریکا به ختنه دختران یا "اف جی ام" متهم شده است. در صورت اثبات اتهام، این پزشک ممکن است به حبس ابد محکوم شود.

ختنه، اف جی ام یا مثله کردن اندام جنسی زنان از سال ۱۹۹۶ در آمریکا غیرقانونی اعلام شده است. دادستانی دیترویت گفته که "جومانا نگارولا" متهم است که به مدت ۱۲ سال، دختران شش تا هشت سال را در مطبش ختنه می کرده است. بعضی از افرادی که ختنه شده اند از بیرون ایالت میشیگان به مطب او در دیترویت آورده شده بودند. دیترویت پرجمعیت ترین شهر ایالت میشیگان است. در حال حاضر دکتر نگارولا بازداشت شده است.

دنیل لمیش، جانشین دادستان ایالت متحده آمریکا گفته که این عمل اقدامی "بی رحمانه و خشونت علیه زنان و دختران" است.

در سال ۲۰۱۲ مقامهای آمریکا اعلام کردند که ۵۰۰ هزار زن و دختر در این کشور یا ختنه شده اند یا در معرض خطر مثله شدن هستند.

حدود ۲۰۰ میلیون دختر و زن در سراسر جهان به نوعی از این عمل آسیب دیده اند که به گفته سازمان ملل متحد، نیمی از آنان در کشورهای مصر، ایتوپیا و اندونزی زندگی می کنند.

تبلیغ شوهر سالاری به مناسبت "روز مرد" در سطح شهر تهران

وقایع اتفاقیه، ۲۴ فروردین - به اقتدار تو این خانه ایستادای مرد، به احترام غرورت سکوت خواهم کرد" از این جمله چه چیزی برداشت می کنید؟ زنان به احترام "غرور" مرد قرار است در برابر چه چیزی "سکوت" کنند؟

جمله بالا، نوشته ای است که در یکی از پوستره‌های نصب شده شهرداری تهران در سطح شهر به مناسبت "روز مرد و روز پدر" به چشم می خورد.

با نگاهی به یکی دیگر از این پوسترها، تقویت نگرش مردسالارانه‌ای که در آن مرد همچنان بار سنگین حمایت و حفاظت از خانواده را به دوش می کشد، مشهود است. یک کفش گنده که دو کفش زنانه و بچه گانه داخل آن جا شده اند، نشان دهنده حمایت مرد و ریاست او بر خانواده است؛ ریاستی که بنا بر نظر طراحان پوستر، سلب کننده آزادی زنان نیست و یک "حاکمیت حکیمانه اداری" است.

شاهکار شهرداری تهران اما فقط به همین موارد محدود نمی شود. در

یکی از پوسترها داشتن زنگ تفریح در موقعیتهای مختلف زندگی روزمره حق مردان قید شده است، درحالی که زنان به زمانهایی برای خود نیازی ندارند. فقط مردان هستند که نیاز دارند گاهی از قیدوبند زندگی زنشویی آزاد باشند و زمانهایی را در طول شبانه روز به خود و تفریحاتی که هر انسانی به آن نیاز دارد، اختصاص دهند. همچنین آنگونه که پوسترها نشان می دهند، به عقیده گردانندگان شهرداری تهران، زن خوب، زنی است که با هیچ مردی، حتی فروشنده‌ها مراوده نمی کند و همه کاره او همسرش است.



منتشر شد

زیر محک زمان

قطعه نامه های سه اجلاس شورای عالی سچفخا

(۱۳۸۸ - ۱۳۹۱ - ۱۳۹۳)

ناشر: سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

چاپ اول: ۱۳۹۴

چاپ و صحافی: چاپخانه باقر مرتضوی، آلمان - کلن

برای دریافت این کتاب با آدرس زیر مکاتبه کنید

NABARD/ B.P. 77 / 91130 Ris orangis/

France

می توانید با آدرس ای میل زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com

بهای کتاب ۷ یورو

هزینه پستی ۲ یورو



ما در جای درست تاریخ ایستاده ایم

نامه گلرخ ابراهیمی ایرایی به زینب جلالیان

گذشته تمام نمی شود. قلم ها شکسته می شوند و روایت ها نانوشته می مانند اما سینه به سینه پیش می آیند و به نسلها هویت می بخشند.
تاریخ پر سنگلاخ مان روایت درد بسیار در سینه دارد و ما نسل سوخته این دیار همچنان دوره می کنیم زخمهایی که بر پیکر پدرانمان بوده را.

زینب جانم (زینب جلالیان) بهار را به یاد یازدهمین بهاری که پشت میله های زندانی آغاز می کنم و به استقامت فکر می کنم. به انفرادیهای طولانی مدت و شکنجه



های روحی و جسمی که تاب آورده ای. به مرخصیهای هرگز نرفته ات و به چشمان زیبایت که کینه توزانه از حق درمان شان محروم کرده اند.

به ایستادگی ات فکر می کنم و هرگز سر خم نکردنت در برابر این حجم سنگینی که می خواست به زانو دربیارت اما قوی تری نمود. تو نماد نسلی هستی که سرکوب و خفقان و ارتجاع و فاشیسم را نفس کشید و هنوز زنده

است و همچنان امیدوار است به فردایی که مترسکها کنار روند و آزادی دامن گستراند و طلوعه آفتاب آن چنان بدمد که دیگر یادآور ریسمان و چوبه دار و پاهای آویخته و پیکرهای معلق بین زمین و آسمان نباشد.

اگر چه سقوط کرده ایم در خود و به شعبده خو گرفته ایم و پشت نقاب هایی که بر صورتمان کشیده اند، دوره می کنیم شب و روز را، اگر چه ارتجاع هنوز بر ما می تازد و استبداد چون یوغی بر گردنمان سنگینی می کند، اگر چه کم اند زینب هایمان که این دنیای وارونه را تاب بیاورند و آزادی را به جوهر جان بر صفحات تاریخ ثبت کنند، اما فردا بعید نیست. تو تکثیر می شوی و فصل پرواز کلاغهای سیاه می گذرد.

روزگار زیستن زیر ذره بین جهل شان و لحظه لحظه رصد شدن زندگی مان و تفتیش مغزهامان و ورق زدن روزهایمان تمام خواهد شد. حق گرفتاری است و می ستانیمش و دیگر بیگانه نخواهیم بود در خانه ی پدری.

کودکی مان خاکستری بود و بوی خون می داد. هنوز در مشام مان تازه است و رد سرخی اش بر دامنه های توچال خیال را پرواز می دهد تا آن روزهای تلخ که چون تاولی بر سینه ی تاریخ مان مانده است.

هربار که به این تکه ی کوچک آسمان که سهم این روزهایمان است، نگاه می کنم، به سهم تو از آسمان، در این سالها که به بیش از یک دهه می رسد، می اندیشم. ما سهم مان کم نبود اگر به بغض شان دریغ مان نمی کردند.

بگذار به بندمان کشند زینب جانم. بگذار ترکه ی بیدادشان پیکرهامان را درهم بریزد. بگذار سهم مان از بودن، عشق و حتی چشمان مان، چون سهم مان از آسمان از ما دریغ شود. ما ایستاده ایم بر حقانیت خود و آن حجم قطور از تاریخ را که آشفته و ترسان و ناتوان از ورق زدنش مانده اند را سنگین تر کنیم.

اینجا هربار که باد می وزد، داستان سعید (سلطان پور) در گوش مان زمزمه می شود. این تپه ها بیهوده به خون آن هزاران لاله ی عاشق گلگون نشده اند. جریان دارد خون شان، حتی اگر شقایق های روییده بر خاک شان را درو کنند و درو کنند و باز هم درو کنند.

بگذار بر چوبه های دار سجده برند و فکر کنند شهرام (احمدی) در سینه ی گورستانی بسیار دورتر از سرزمین مادری به خاک سپرده شد. آرزوهایش، استقامتش و حقانیتش در ما تکثیر می شود.

بگذار چون مریم (اکبری منفرد) کودکان مان را از آغوش مان بیرون کشند و نزدیک به یک دهه محروم مان کنند از نوازشها و لالاییهای شبانه ی مادرانه، محروم مان کنند از تماشای کودک مان در صف مدرسه. کودکی که پشت شیشه های کدر کابین ملاقات قد کشید و در سینه اش کتابی دارد از تاریخ ما که بی زندگی روزگار بر ما گذشت.

بگذار بر خانه هایمان یورش بیاورند و بازهم رفقایمان را چون مجید اسدی که به تازگی پس از اتمام مدت حبس اش آزاد شده بود، به ناکجاآباد برند. ما این بی خبری عبوس را تاب می آوریم و می مانیم. چراکه دستمان در دستان جعفر (عظیم زاده) است و عزم مان با او که چون کوهی ایستاده، یکی است.

ما در جای درست تاریخ ایستاده ایم زینب جانم، حتی اگر تحریف مان کنند. بگذار پرچم ریا و تزویرشان به اهتزاز باشد. ما بیپهوده تاب نمی آوریم. ما ذات مان «هست» است و باورمان جاودانه، حتی اگر از میانه راه به تیشه کین، ساقه هایمان را ساقط کنند، باز هم ریشه می زنییم تا آیندگان، همانگونه که خود جوانه زدیم از بذر پیشینیان و آنکه نیست می شود این منجلابی است که تا خرخره هایمان بالا آمده، اما یارای خموش کردن مان را ندارد.

فردا از آن ماست و روز خوبتر فرداست.

برای زینب جلالیان - زندانی محکوم به حبس ابد

گلرخ ایرایی - بند زنان زندان اوین

فروردین ۹۶

منبع: هرانا



حاضریم پیروم اما پرده ظالم نباشم نامه آتنا دائمی، زندانی در اعتصاب غذا



هر از گاهی از گوشه و کنار دنیا می شنویم که تعدادی جنایتکار یا تروریست مردم را به گروگان می گیرند تا به اهداف شان که انتقام گیری یا کسب ثروت است دست یابند اما در ایران برعکس همه جا این مجریان قانون هستند که مردم، اموال شان و خانواده های زندانی سیاسی را به گروگان می گیرند تا در جامعه با ایجاد رعب و وحشت و خفقان به خواسته شان که بقای خود است، برسند. در قوانین جمهوری اسلامی ایران آمده که ضابطین دادگستری پس از سپری کردن دوره های آموزشی می بایست کارت ویژه ضابطین را داشته و اقدامات صورت گرفته از سوی ماموران فاقد این کارت ممنوع و بدون اعتبار است (ماده ۳۰ آیین دادرسی کیفری). در جای دیگری از قانون آمده که جلب متهم

به موجب برگه جلبی است که مضمون آن حاوی مشخصات متهم و علت جلب است و می بایست توسط بازپرس امضا و به متهم ابلاغ شود (ماده ۱۸۱ آیین دادرسی کیفری).

برای اجرای احکام حبسی که مهر ۹۵ برایم صادر شد به منزل مان هجوم آوردند، با ظاهری پوشیده، با ماسک و کلاه، بی حکم جلب و بی کارت شناسایی، توهین کردند و تهدید کردند، مرا مورد ضرب و شتم قرار دادند، بدون مجوز و پنهانی

فیلم ضبط کردند، در کمال وقاحت بی حجابی ما را نظاره گر بودند، بازداشت‌م کردند. طلبکارانه از من و خواهرانم نیز شکایت کردند و پرونده جدیدی تشکیل شد. ۲ اتهام را تفهیم کردند و کفالت ضبط کردند و بعد از مدتی برای اتهامات تفهیم شده برای ۳ خواهر قرار منع تعقیب صادر کردند. اما مجدداً برای همان اتهامات یک روز قبل از دادگاه، احضاریه را ابلاغ کردند و یک روز پس از دادگاه نیز حکم صادر شده ابلاغ شده. در کمال بی اطلاعی به دادگاه مراجعه کردیم و توسط قاضی خونسرد متوجه شدیم که گویا ابلاغیه قرار منع تعقیب از پرونده دزدیده شده بود. فرصت خواستیم تا هم برگه را ارائه دهیم، هم وکیل پرونده را مطالعه و لایحه ای دفاعی تحویل دهیم اما گفته شد، حتماً اشتباه ابلاغ شده و یک روز پس از دادگاه حکم جدید را ابلاغ کردند! در طول این چند ماه پس از بازداشت‌م پیگیری‌های لازم را انجام دادم و همچنین از ضابطین سپاه ثارالله نیز شکایت کردم اما برای شان منع تعقیب صادر شد اما این بار هیچ اشتباهی رخ نداده بود! به این حکم اعتراض کردم که اعتراض با دخالت رییس زندان اوین به جایی که باید نرسید و نامه ناپدید شد. از آنجا که قانون خیابانیست یک طرفه و بنده نیز هرگز برده ظلم نبودم و نیستم، جهت اعتراض به این گروگان گیری به آقایان اعلام کردم که برای رسیدگی به درخواست من و رفع تخلفات و حکم غیرقانونی در پرونده چند روزی را در دفتر افسر نگهبانی بند زنان زندان اوین تحصن خواهم کرد تا فرصت رسیدگی داشته باشند و در صورت عدم رسیدگی اعتصاب غذا خواهم کرد. از صبح سه شنبه ۱۵ فروردین ۱۳۹۶، چهار روز و سه شب را در این دفتر سپری کردم و همانجا نیز خوابیدم! تنها رسیدگی شان این بود که اول به دلیل تحصنم در دفتر برایم اعلام جرم کرده و پرونده ای جدید گشودند، دوم هم بندیانم را که در دفتر به دیدنم آمدند، تهدید به وضع قوانین جدید و سخت گیرانه و تنبیهی کردند تا کسی حمایت نکند و سوم منشی رییس زندان را به بند فرستادند تا علاوه بر توهین و تهدید، مواضع سیاسی خود را اعلام و قدرت سپاه را به رخم بکشد. از روز شنبه ۱۹ فروردین ۱۳۹۶ اعتصاب غذا خواهم کرد و حال به این کار که خشونت علیه خود است ولی تنها راه اعتراض به گروگان گیری و اعمال خلاف قانون مجریان قانون است تن داده و آن را اعلام کرده ام. تا رسیدن به خواسته ام از ادامه اعتصاب غذا منصرف نخواهم شد و مسئولیت هر اتفاقی که رخ دهد با رییس زندان اوین و برادران سپاهی او و دادستانی است، تا آخرین ذره وجودم از حق بر حق خواهرانم دفاع خواهم کرد و اجازه نمی دهم دستگاههای امنیتی علاوه بر زیر پا گذاشتن قانون خود نوشته شان، از خانواده هایمان به عنوان ابزار شکنجه روانی و ایجاد فضای خفقان در جامعه استفاده کنند. حاضرم بمیرم اما برده ظلم نباشم

آتنا دائمی - بند زنان زندان اوین

شنبه ۱۹ فروردین ۱۳۹۶

منبع:هرانا



چشم صادق لاریجانی روشن؛ ویرایش جدید "حقوقهای نجومی"

منصور امان

فراسوی خبر... یکشنبه ۲۳ فروردین

چشم صادق لاریجانی روشن؛ ویرایش جدید "حقوقهای نجومی" منصور امان به پرونده تاراج بی محابای خزانه همگانی از سوی حاکمان کشور، برگ دیگری افزوده شده است. به موازات شدت گرفتن درگیریهای انتخاباتی در دستگاه قدرت، جناح رقیب باند ولی فقیه پرده خلوت خانه قوه قضاییه را یکبار دیگر بالا زده است. آنچه که بدین وسیله در برابر نگاه عمومی قرار گرفته، رُسوایی این باند و به ویژه گنبدیگری دستگاه عدالت و قضاوت "نظام" را به گونه خیره کننده تری به رخ حیرت زده و خشمگین جامعه می کشد. آقای محمود صادقی، یک نماینده حامی دولت، بخشی از یک سند دیوان محاسبات کشور را فاش ساخته که در آن چپاول ۲۸۵ میلیارد تومان در دستگاه قضایی زیر عنوان "پاداش و پرداختهای ویژه" گزارش شده است. به گفته آقای صادقی، دیوان محاسبات که یک زیرمجموعه اداری مجلس مَلاها است، این گزارش را محرمانه تلقی کرده و از نمایندگان مجلس پنهان ساخته است. گفتنی است که مبلغ شگفت آور مزبور، جدا از سود هنگفتی است که آیت الله صادق لاریجانی و دیگر مقامهای ارشد دستگاه قضایی به طور ماهانه از محل سود سپرده های این نهاد در بانکها دریافت می کنند. براساس مُندرجات پرونده رُسوایی "حسابهای شخصی"، گردانندگان قوه قضاییه ماهانه بیش از ۲۲ میلیارد تومان از این گاو شیرده می دوشند. پرونده فساد مالی دستگاه قضایی در حالی سنگین تر شده است که افتضاح پیشین آن با وجود بازتاب گسترده اجتماعی و بدنامی بی پیشینه ای که برای دستگاه عدالت و قضاوت "نظام" به بار آورد، بدون هر گونه حسابرسی و پیگیری مانده است. جالب اینجاست که سرکردگان خوش اشتهای قوه قضاییه، در رُسوایی "حقوقهای نجومی" باند رقیب، به جامه مدعی سرسخت و پُرحرارت "حقوق مردم" درآمدی بودند و آقای صادق لاریجانی از جمله به طور افراطی از پنجره اتاقش به بیرون خم شد تا جار بزند: "نمی توان پذیرفت که یک کارگر با حقوق اندک از صُبح تا شب تلاش کند و در مُقابل، عضو یک هیات مدیره دولتی ماهی صد میلیون تومان درآمد داشته باشد." اکنون "کارگر با حقوق اندک" بهتر می تواند درک کند که سرچشمه دلسوزی آیت الله به حال او در کجا نهفته بوده و آقای خامنه ای با چه گوشی "گلایه های" اش را می شنود



مناسبات با رژیم ایران را مشروط به رعایت حقوق بشر کنید!

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر... شنبه ۵ فروردین

علیرغم سیاه بازیهای جمهوری اسلامی برای جلوگیری از تمدید ماموریت گزارشگر ویژه حقوق بشر در مورد ایران، ماموریت عاصمه جهانگیر تمدید شد. شورای حقوق بشر سازمان ملل با ابراز نگرانی از نقض فاحش حقوق بشر در ایران با تمدید ماموریت عاصمه جهانگیر از حکومت ایران خواهان همکاری با وی شد. عاصمه جهانگیر به درستی به بخشهایی از نقض حقوق بشر مانند «شمار بالای اعدامها، استفاده از مجازاتهایی مانند شلاق و کور کردن، اعدام مجرمان زیر سن قانونی، استفاده از شکنجه و عدم دسترسی به دادرسی عادلانه در نظام قضایی ایران» اشاره کرده است. اما گزارش وی به دلیل عدم دسترسی او به زندانهای علنی و مخفی، عدم ارتباط با خانواده های زندانیان و همان طور که خود اشاره کرده ایجاد ناامنی از طرف رژیم برای شاهدان، طبیعی است که کامل نباشد. با این وجود این گزارش گامی مثبت به سود مردم ایران و نیز دستاورد مثبت برای فعالان حقوق بشر است. واکنشهای عصبی کارگزاران رژیم و تمدید ماموریت گزارشگر ویژه، گوشه ای از اهمیت این گونه گزارشها را نشان می دهد. به ویژه در شرایطی که تیم روحانی در خارج از ایران دنبال عادی کردن روابط با نهادهای بین المللی است. کاظم غریب آبادی معاون امور بین المللی دبیر ستاد ضد حقوق بشر، قطعنامه شورای حقوق بشر را «اقدامی کاملاً سیاسی» دانست و مدعی شد که این گزارش با «واقعتهای حقوق بشری در ایران» سازگار نیست.

سخنگوی وزارت خارجه رژيم قطعنامه شورای حقوق بشر را درجهت «تضعيف روزافزون اعتبار نظام حقوق بشری ملل متحد» دانست. حرفهای این پایور رژیم ما را به یاد این مثل می اندازد که: «گرچه دستش به گوشت نمی رسيد می گفت بو می ده». رژیمی که هیچ آبرویی در عرضه رعایت حقوق بشر ندارد، دلواپس اعتبار نظام حقوق بشر ملل متحد است. با حکومتي که طی سال ۹۵، حکم ۱۱۷۱۸ ضربه شلاق برای شهروندان ایرانی در بيدادگاههایش صادر کرده، ۶۰۱ نفر را اعدام کرده، ۶ مورد حکم کور کردن چشم، ۲ مورد حکم سنگسار و ۱۱ مورد حکم قطع دست صادر کرده بدون فشار و تحریم سیاسی نمی توان وارد گفتگو شد. (منبع آمار از گزارش سالانه خبرگزاری هرانا)

واکنش پایوران رژیم به گزارش عاصمه جهانگیر و در پی آن تمديد ماموریت وی برای یک سال دیگر، نشان دهنده فقدان ظرفیت در دیکتاتوری ولایت فقیه برای گفتگو بر سر مساله حقوق بشر است. منشور حقوق شهروندی ارائه شده از طرف حسن روحانی یک سیاه بازی برای پنهان کردن نقض فاحش حقوق بشر است و بر خلاف حرف خانم عاصمه جهانگیر، این سند هیچ تحول امید بخشی به حساب نمی آید. تا وقتی جامعه جهانی مناسبات اقتصادی با رژیم ایران را مشروط به لغو مجازات اعدام و رعایت حقوق بشر نکند، وضعیت حقوق شهروندی در ایران نه فقط بهبود نخواهد یافت، بلکه هر سال بدتر از سال قبل خواهد شد.



روحانی و حراج در کاخ کرملین

لیلا جدیدی

فراسوی خبر... دوشنبه ۱۴ فروردین

روحانی و حراج در کاخ کرملین لیلا جدیدی چنانچه این احتمال نه چندان بعید وجود داشته باشد که روابط واشنگتن و مسکو رو به بهبودی برود، چه کسی جز رییس جمهور رژیم جمهوری اسلامی باید سراسیمه راهی مسکو شود تا سبیل همدست خود در روابط تنگاتنگ و خونین سوریه را چرب کند؟ روحانی در سفر خود به روسیه، ۱۴ سند همکاری یا بهتر گفته شود باج دهی را در کاخ کرملین تقدیم ولادیمیر پوتین کرد. اگرچه در انتهای سفر روحانی بیانیه مشترکی منتشر شده که بدان رنگ روغن "ارتقا سطح روابط در زمینه های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی" زده شده، اما ترکیب همراهان روحانی در سفر به مسکو نشان دیگری دارد. همسفران وی، وزرای صنعت، معدن و تجارت، نفت، امور خارجه، ارتباطات و فناوری اطلاعات و رییس کل بانک مرکزی بودند که بیشتر بیانگر تهیه ملزومات ارایه قراردادهای سودجویانه یکطرفه اقتصادی است که منافع آن نصیب روسیه می شود. جهت نمونه، از جمله توافقه های انجام شده، احداث دو واحد نیروگاه اتمی جدید در بوشهر و یک نیروگاه حرارتی در بندر عباس است. با در نظر گرفتن تجربه چاه میلیاردی نیروگاه بوشهر و فقر و بیکاری خانمان سوزی که مردم ایران گریبانگیر آن هستند، احداث نیروگاه اتمی جدید جز "ارتقا سطح" ثروتی که از خزانه ملی به جیب گشاد پوتین سرازیر می شود، معنایی ندارد. جمهوری اسلامی به روسیه ای دخیل بسته است که از فرصتها و فرودستانی چون آن همواره سوواستفاده کرده و امروز هم همزمان با اخاذی از رژیم، در حال گسترش همکاری با دو رقیب منطقه ای آن، عربستان سعودی و ترکیه، است. اما آیا رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی گزینه دیگری هم دارد؟

به رادیو پیشگام در آدرس زیر گوش کنید

www.radiopishgam.com

سینا دهقان قربانی حفظ امنیت دزدان دانه درشت

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر ...شنبه ۱۲ فروردین

حکم سر به دار شدن سینا دهقان، زندانی ۲۱ ساله، موجی از تنفر نسبت به رژیم ولایت فقیه را در ایران و جهان برانگیخته است. سینا دهقان به جرم نوشتن مطالب انتقادی بر روی شبکه های اجتماعی در مهرماه ۱۳۹۴ توسط سپاه پاسداران دستگیر و قرار است به جرم توهین به پیامبر اعدام شود.



چرایی اعدام به بهانه چنین جرمی (سب النبی) و یا اعدام بهائیان در حکومت فاسد جمهوری اسلامی و در دایره تنگ ایدئولوژیک آن چیزی جز وجود تهدید امنیتی نمی تواند باشد. به جز این، توجیه چرایی اینگونه اعدامها برای بسیاری از تاریک اندیشان جای سوال است. بر این منظر این نوع اعدامها دقیقا به دلیل تهدید ناامنی برای رژیم و بی اثر بودن ابزار مذهب برای حکومت کردن و تسلط بر جامعه است. اعدام سینا دهقان نه برای توهین به پیامبر، بلکه به خاطر چالش با ساختار نظام فاسدی است که به نام خدا، و با حربه بهشت و

جهنم، هر کسی که امنیت نظام را بر هم زند را از سر راهش برخواهد داشت.

مقایسه وضعیت سینا دهقان، سربازی که جرمش فقط نوشتن و آنهم در شبکه های اجتماعی است با دزدیهای باند احمدی نژاد، نورچشمی ولی فقیه، عمق فاجعه نکبتبار رژیم ولایت فقیه را نشان می دهد. یکی به اعدام محکوم می شود و دیگری دزدی و چپاول می کند و برای قدرت خیز برداشته است.

در هنگامه نمایش انتخابات ریاست جمهوری و در جدال به سطح آمده باندهای درون حکومت، دزدیهای پایوران رژیم بیشتر روشن می شود. به عنوان مثال با فعال شدن باند احمدی نژاد، بقایی و مشاعی، دزدیهای دوران ریاست آنها بار دیگر به مطبوعات کشیده شده است.

ماجرای دزدیده شدن «۶۰۰ میلیارد تومان پولی که در قالب فروش نفت به نیروی انتظامی واگذار شده» و به وزارت نفت برگردانده نشده، بار دیگر مطرح شده است. رئیس کمیسیون برنامه و بودجه به اجازه فروش نفت به نیروی انتظامی از طرف احمدی نژاد انگشت گذاشت و تاکید کرد که این پول به خزانه دولت باز نگشته است. (منبع روزنامه شرق ۱۷ اسفند ۹۵)

وب سایت مجلس با توجه به فعال شدن احمدی نژاد از کمکهای بیدریغ او به حدود ۳۰ کشور بدون حساب و کتاب خبر داده است. در این وب سایت آمده است: پرداخت ۳۳۰ میلیون دلار به پاکستان، اختصاص یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار وام به سریلانکا، پرداخت ۳۵۰ میلیون دلار به نیکاراگوئه... و بر اساس گفته سفیر رژیم در ونزوئلا، ساختن ده هزار خانه در ونزوئلا... و پیدا شدن چکی به ارزش تقریبی ۷۷۰ میلیون دلار در چمدان رئیس سابق کل بانک مرکزی و ... نمونه هایی از این اقدامات است.

در این شرایط است که می توان اهمیت نوشته های سینا دهقان و حکم اعدام او و سرکوب و آزار زندانیان سیاسی و عقیدتی را فهمید. برای حکومت مساله توهین به پیامبر بهانه ای برای دفاع از امنیت کلان دزدان است.

رویدادهای هنری ماه (فروردین ۹۶)

فتح الله کیاییها

سخن ماه:

از کرامات شیخ الشیوخ ام القرا همین بس که در ایام تعطیلات نوروزی موزه ها بسته می شوند و این در حالی است که در دیگر نقاط جهان با شور و هیجان فوق العاده، به خصوص در ایام تعطیل، به فکر کشاندن مردم به موزه ها و نمایشگاهها و سالنهای هنری و کتابخانه هستند. حال موزه چه خصومتی می تواند با ولی فقیه داشته باشد، خود سوالی دیگری است. اما وحشت ولی فقیه از هر استفاده فرهنگی سکولار از ایام فراغت، دم خروسی است که با هیچ ترفندی پنهان شدنی نیست. بر اساس خبری از "تبیان"، مدیرکل موزه های کشور گفت: "کاخ اصلی نیاوران، کاخ احمدشاهی مجموعه نیاوران، موزه پژوهشی مردم شناسی، موزه هنرهای زیبای سعدآباد، موزه مردم شناسی کاخ گلستان و موزه هنرهای ملی در تهران و موزه رشت، در ایام نوروز تعطیل خواهد بود." وی علت عمده تعطیلیها را "تعمیرات و بازسازی" بیان کرد و گفت: "امکان دارد موزه های دیگری هم در حال حاضر تعطیل باشد، اما هنوز مسوولان این موزه ها اطلاعی در این باره به ما نداده اند." از موزه که بگذریم بهتر است که همچنان و در حال و هوای نمایشگاه باشیم. پس با هم سری می کشیم به نمایشگاهها و موضوعات داغ شان:

نمایشگاه

نقاشی و نقش پر شورش در نمایشگاهها



"گرونیکا" به مناسبت هشتادمین سال آفرینش اش، در نمایشگاهی در مادرید حضوری پر رنگ داشت. این تابلو ضد جنگ که توسط پیکاسو به تصویر کشیده شده، توانست نام خالقش را در پهنه هنر جهان جاودانه سازد. عنوان این نمایشگاه "رحمت و وحشت در آثار پیکاسو" است.

دریهای این نمایشگاه تا ۴ سپتامبر سال گشوده خواهد بود و در آن ۱۸۰ اثر دهه های ۱۹۲۰، ۳۰ و ۴۰ از پیکاسو به نمایش گذاشته خواهد شد.

موسیقی

باب دیلن نوبل را به طور مشروط پذیرفت

بالاخره وسوسه نوبل ادبی باب دیلن را هم فریفت و او پس از چند ماه تاخیر، بر فراز قله اورست ایستاد تا تابلوی اینجا مرتفع ترین قله جهان است را بر دوش بگیرد.

لئونارد کوهن، هنرمند فقید کانادایی، گفته بود "اهدای نوبل ادبی به باب دیلن مثل این است که بر فراز قله اورست پلاکاردی بیاویزیم با این مضمون که اینجا مرتفع ترین قله جهان است."

دیلن پس از دریافت این جایزه و بدون آنکه در باره اش



سخنی بگوید، روی سن رفت و به خواندن ترانه مشغول شد. او گرفتن جایزه را مشروط بر حضور نداشتن خبرنگاران کرده بود و چنان شد که می خواست.

کمیته نوبل اکتبر سال گذشته اعلام کرد که جایزه نوبل ادبی به خاطر "خلق بیانی شاعرانه مبتنی بر سنت موسیقی آمریکایی" به باب دیلن، خواننده و ترانه سرای آمریکایی، تعلق می گیرد. آکادمی نوبل اما تا ۱۲ روز موفق نشد با او تلفنی صحبت کند. آکادمی نوبل این موضوع را به بی نزاکتی باب دیلن تعبیر کرده بود.

برخی ترانه های دیلن مانند "بزرگراه ۶۱"، "دیدار دوباره"، "بلوند بر بلوند"، "قای تمبورین من"، "چون یک خانه به دوش" و "دمیدن در باد" به تاریخ موسیقی جهان راه یافته اند.

جنگ اوکراین و روسیه در صحنه موسیقی



درگیری روسیه و اوکراین به صحنه های موسیقی هم راه یافت به طوری که اوکراین نماینده امسال روسیه در رقابت آوازخوانی اروپا یا "یورو ویژن" را که در شهر کیف برگزار می شود، ممنوع الورد کرد و به این ترتیب اختلافات سیاسی دو کشور بار دیگر اوج گرفت.

گفته می شود دولت اوکراین ورود "جولیا سامویلوا"، نماینده روسیه، را به دلیل سفر به کریمه و اجرای برنامه در آن منطقه، به مدت سه سال به این کشور ممنوع کرده و او قادر نخواهد بود در یورو ویژن امسال که در ماه می در شهر کیف برگزار می شود، شرکت کند.

جولیا سامویلوا بیست و هشت سال دارد و یکی از مشهورترین خواننده های جوان روسی است. او از کودکی دچار معلولیت جسمانی شد و از صندلی چرخدار استفاده می کند.

جولیا در سال ۲۰۱۳ در رقابت آوازخوانی "اکس فکتور" روسیه دوم شد، او یکی از خوانندگانی بود که در مراسم افتتاحیه پارالمپیک زمستانی "سوچی" در روسیه در سال ۲۰۱۴ به هنرنمایی پرداخت.

کمرنگ ولی پر سر و صدا

نمایشگاه آلات موسیقی جهانی در فرانکفورت، پر سر و صدا ولی کمرنگ برگزار شد. در این نمایشگاه حضور سازهای ایرانی هم جلوه خاصی داشت.

در سی و هشتمین نمایشگاه جهانی موسیقی که از ۵ تا ۸ آوریل ۲۰۱۷ / ۱۶ تا ۱۹ فروردین در فرانکفورت برگزار شد، از ایران سازندگان ساز شرکت داشتند. امسال اگرچه با ۱۹۲۰ نمایشگر از ۴۵ کشور جهان تعداد غرفه ها از سالهای پیش در این نمایشگاه کمتر بود و تعداد بازدیدکنندگان نیز کاهش نشان می داد، اما به گفته سرپرست نمایشگاه، "دتلف براون" Detlev Braun، بیشترین توان و امکانات نمایشگران فقط صرف عرضه سازها نشد و تولیدکنندگان کتابها، کمک ابزارها و تسهیلات موسیقی آموزی هم توانستند کارها و ساخته های خود را به نمایش بگذارند.

درحالی که در بیشتر غرفه های بزرگ نمایشگاه، در درجه نخست کیبورد و پیانوهای الکتریکی جلوه گری می کردند، شرکتهای کوچک تر به فکر بازسازی و نوسازی سازها و طرحهای قدیمی افتاده بودند. از میان آنها شرکت "پونس گیتارز" Pons guitars از اسپانیا، گیتار چند قطعه ای عرضه کرده که نوازنده به خواست خود می تواند هر قطعه ای را به رنگ، اندازه و شکل دلخواه خود روی هم سوار کند و گیتار دلخواه خود را پدید آورد.

آدونیس جایزه "پن/ناباکوف" را برد

مرکز "پن/ناباکوف" آمریکا، "آدونیس"، شاعر و مترجم پراوازه سوری را به عنوان برنده جایزه ۵۰ هزار دلاری یک عمر دستاورد ادبی در عرصه بین المللی اعلام کرد.



"علی احمد سعید اسبر" با تخلص آدونیس، شاعر، مقاله نویسی و مترجمی است که تاکنون بیش از ۲۰ جلد کتاب و مجموعه شعر به زبان عربی منتشر کرده که به زبانهای مختلف نیز ترجمه شده اند. او که عنوان بزرگ ترین شاعر در قید حیات جهان عرب را یدک می کشد، چند اثر را از زبان فرانسوی برگردانده و نامش سالهاست به عنوان نامزد دریافت جایزه نوبل ادبیات مطرح می شود.

آدونیس سال ۱۹۳۰ در غرب سوریه به دنیا آمد. او به خاطر عقاید و اظهارات ملی گرایانه و سکولارش مدتی در زندان بود. پس از آن، در سال ۱۹۸۵ راهی پاریس شد. او اکنون در این شهر سکونت دارد و بیشتر فعالیتهايش را در فرانسه و لبنان دنبال می کند.

"پن" بهترین اثر ادبی سال خود را معرفی کرد

بنیاد "پن" جایزه ۷۵ هزار دلاری "ژان اشتاین" را که ویژه بهترین اثر سال است، به "هشام مطر"، نویسنده لیبیایی، تقدیم کرد. مطر با کتاب خاطرات خود (بازگشت) توانست این جایزه را به دست بیاورد. مرکز پن آمریکا از سال ۱۹۲۲ با همکاری چهار هزار نویسنده در سراسر جهان به صورت سالانه جوایزش را اعطا می کند. "جان اشتاین بک"، "سوزان سونتگ" و "آرتور میلر" از جمله نویسندگان سرشناسی هستند که عضو این مرکز بوده اند.

اهدای "پولیتزر" به خاطر نشر اسناد پاناما و گزارش درباره فعالیتهاى ترامپ

پولیتزر را مهم ترین جایزه خبرنگاری در جهان می دانند؛ جایزه ای که فراتر از دنیای رسانه ای، حوزه های ادبیات، موسیقی و تئاتر را نیز در بر می گیرد. در سال جاری "شبکه بین المللی خبرنگاران افشاگر (واشنگتن)"، شرکت رسانه ای آمریکایی "مک کلاتچی (ساکارامنتو)" و روزنامه "میامی هارالد" ۲۱ جایزه امسال پولیتزر را از آن خود کردند.

سینما

ویکی لیکس روی اکران

گویا سینما عزم جزم کرده تا روایتهاى پنهان و پشت پرده جنگ در افغانستان و عراق را به روایت تصویر بکشد و این بار در صدد است که با اکران فیلمی در باره "ویکی لیکس" به این واقعیت جانی دوباره دهد که سوداگران اسلحه چگونه بذر جنگ و بی خانمانی و در بدری را در جهان سوم تکثیر می کنند. به گزارشی کوتاه شده از دویچه وله در این باره توجه کنید:



"لورا پویترس" به خاطر تهیه فیلم مستند "شهروند چهار" (Citizenfour) درباره "ادوارد اسنودن"، همکار سابق دستگاه امنیتی آمریکا، برنده جایزه اسکار شد. اکنون همین فیلمساز آمریکایی زندگی "جولیان آسانژ"، پایه گذار ویکی لیکس، را به تصویر کشیده است.

فیلم مستند جدید او "ریسک" (Risk) نام دارد. قرار است این مستند نخست در سینماها به نمایش درآید و سپس توسط فرستنده آمریکایی "شو تایم" پخش شود. به گفته این فرستنده، پویترس از ۶ سال پیش ساختن "ریسک" را شروع کرده، رابطه ای نزدیک با ویکی لیکس داشته و توانسته داستان افشاگریهای این پلتفرم را "از درون" دنبال کند.

بازگشت یک فعال سکولار از بایکوت به سینما

داستان زندگی "مدلین ماری اوهریر"، زنی که مجله "لایف" ۵۳ سال پیش، لقب "منفورترین زن آمریکا" را زیر عکس او روی جلد مجله چاپ کرد، نیم قرن بعد از قتل فیجع وی و اعضای خانواده اش در تگزاس، در مستندی در شبکه "نت فلیکس" بر پرده می آید. خانم اوهریر یک فعال حقوق مدنی بود، که موفق شد حکم لغو تعلیمات دینی و دعا در مدارس دولتی را از دیوانعالی آمریکا دریافت کند.

او که در آن زمان در ایالت مریلند زندگی می کرد، در دعوی حقوقی علیه نظام آموزش دولتی شهر بالتیمور، استدلال کرد که خواندن اجباری انجیل و وادار کردن دانش آموزان به شرکت در کلاسهای دعا در مدارس دولتی، بر خلاف قانون اساسی آمریکا است. دعوی حقوقی او سرانجام در سال ۱۹۶۳، به دیوان عالی آمریکا کشیده شد و هشت قاضی از نه قاضی،



مدارس دولتی بالتیمور را محکوم شناختند. از آن هنگام، دعا و کلاس مذهبی در مدارس دولتی لغو شد.

"ملیسا لئو"، بازیگر صاحب اسکار، که در مستند "نت فلیکس" نقش خانم "اوهریر" را بازی می کند، از اینکه این شخصیت برجسته حقوق مدنی برای اکثر مردم ناشناس است، اظهار شگفتی کرده است. او در مصاحبه ای در جشنواره "آستین" تگزاس می گوید: "واقعا جالب است که آدمی که کارش طینی به این گستردگی داشته، تا این اندازه ناشناس باشد."

حذف مدلین ماری اوهریر از انظار عمومی، نه در سالهای اخیر، بلکه در زمان حیات خودش اتفاق افتاد. خانم اوهریر یک فعال ضد دین بود که سازمان "خدانشناسان آمریکا" Atheist Americans را بنیان گذاشت و از سال ۱۹۶۳ تا ۱۹۸۶، ریاست آن را بر عهده داشت. اگر تلاش ملیسا لئو نبود، ممکن بود سناریوی "تامی اوهاور" Tommy O'Haver، کارگردان فیلم، همچنان در کشوی میز تحریر او باقی بماند. او دو سال بعد از نوشته شدن سناریو به فکر افتاد که آن را برای ملیسا لئو بفرستد.

ملیسا لئو که برای ایفای نقش مادر در فیلم "مشت زن" The Fighter جایزه اسکار گرفت، اسم اوهریر را نشنیده بود، اما بعد از خواندن سناریو، تلاش بزرگی به راه انداخت که برای سناریوی فیلم "منفورترین زن آمریکا" سرمایه جلب کند. "الیزابت بنکس"، ستاره برجسته و کارگردان هالیوودی، به خانم لئو در این راه کمک کرد.

اما ۵ سال طول کشید که شرکت "نت فلیکس" برای تامین سرمایه اندک تولید این فیلم، پیشقدم شود. کار فیلمبرداری ۱۸ روزه پایان یافت.

منابع: دویچه وله، رادیو فردا، رادیو زمانه، بی بی سی، صدای آمریکا، تبیان، ایسنا و آفتاب نیوز

سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در ایران را به شدت محکوم می کنیم.

دستهای آفرینش

برای کارگران ستمدیده میهنم

م . وحیدی (م . صبح)

من کارگر

من رنجبر

من تاریخ فتح انحطاط خداوندگاران

پوسیده سفالهای فریب

آمیخته با جوهر جوشان آهن و پولاد

با دهان چخماق باروت و آتش

با پتک غریو آواز سپیده دمان

در سوت مقطع کارخانه ها

دستهای آفرینش شما

حدیث گسستن زنجیرهایی ست

به قدمت تاریخ انسان

- انسان غارنشین -

تاشام نجیب زادگان مرگ و سرمایه

ای فاتحان رنج و شکیبایی!

ای هم‌رزم!

هم تلاش!

برخیز!

و بر بستر خونین زمان

معجزه بازوانت را باور کن!

از خشم بیدار تو

سلاحی خواهم ساخت

و بارویی

تا گستره کارخانه ها و شالیزاران آفتاب و باد

وقتی که بذر کوهساران

افسانه ساز

فریاد های سرخ تو خواهند شد

بهاران بر عزیزان در بند خجسته باد

فتح الله کیاییها

همین تنگی روزنه هم کافیت

بهار ما را در می یابد.

روزنه اما تنگ بود و دور از دسترس

به هم زنجیرش گفت

همین هم کافی است

بهار می آید

نه از تنگی در هراس است و نه از بلندی.

روزنه تنگ بود اما تاریک و دور از دسترس

ناگاه دیوارها فرو ریخت و زنجیرها گسست،

بهار بود که می آمد از هم بندش پرسید:

بهار را میشنوی؟

مادری از دور خجسته باد می گفت فرزندانش را

محکم بود و رسا

دیوارها فرو ریخت و زنجیرها گسست

مادری فریاد می کشید بر تاریکی،

تا آخرین نفس اهریمن راجارو خواهیم کرد زین بوم و بر

بهار از دریچه گذر کرد!



برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در فروردین ۱۳۹۶

گردآوری و تنظیم: زینت میرهاشمی



۷۳ حرکت اعتراضی

حرکت‌های اعتراضی کارگران بر خلاف سال گذشته بلافاصله بعد از روز اول عید شروع شد و در مجموع ۷۳ حرکت اعتراضی در این ماه از جانب کارگران، بازنشستگان، بیکاران جویای کار و کشاورزان در این ماه صورت گرفت. به جز مواردی مثل حقوق‌های عقب افتاده، حق بیمه، عیدی، وضعیت استخدامی، اخراج و... که فصل مشترک بسیاری از حرکت‌های اعتراضی است، یک پدیده مهم در حرکت‌های اعتراضی توجه بیشتر به حفاظت از محیط زیست است. اهالی منطقه چهاردانگه مازندران، تجمع اهالی محله هلالی بوشهر در اعتراض به تخریب بخشی از پارک محل، تجمع مردم اشکدر در استان یزد در اعتراض به افزایش الودگی هوای ناشی از گسترش صنایع در محدوده این شهرستان، تجمع دامداران و کشاورزان شهرستان کوه‌دشت در اعتراض به تخریب اراضی ملی و تجمع اهالی خرم آباد در اعتراض به مصوبه شورای شهر و شهرداری خرم آباد برای ساختمان سازی به نام بازنشستگان در محل پارک معلم خرم از آن جمله است. در حرکت اعتراضی مردم خرم آباد علیه ساختمان سازی در پارک معلم خرم که شهرداری اقدام خود را به نام بازنشستگان معرفی کرده، خود بازنشستگان به همراه مردم به این امر اعتراض کردند.

حرکت‌های اعتراضی نیروهای کار در ماه گذشته به شکل تجمع، اعتصاب، راهپیمایی، تحصن و بستن جاده‌ها صورت گرفت. بستن جاده‌ها در ماه‌های اخیر رو به افزایش بوده و در ماه فروردین هم این شکل از اعتراض وجود داشت. برای مثال کارگران بیکار شده معدن سرب و روی انگوران در استان زنجان و متقاضیان کار منطقه با تجمع مقابل مجتمع و مسدود کردن مسیر تردد وسایل نقلیه مانع بارگیری کامیون‌ها شدند.

حرکت‌های اعتراضی کارگران شهرداریها و دستفروشان از جمله حرکت‌هایی است که رو به افزایش است. شرکت خانواده‌های کارگران در حرکت‌های اعتراضی نیز قابل توجه است. برای مثال تجمع کارگران بازنشسته و اخراجی کارخانه قند یاسوج به همراه خانواده‌های آنها. مشروح برخی از حرکت‌های اعتراضی در فروردین ماه را در ادامه خواهید خواند.

*به گزارش ایرنا، ظهر روز چهارشنبه ۲ فروردین، کارگران سیمان باقران شهرستان درمیان (استان خراسان جنوبی) همزمان با حضور حسن روحانی در کارخانه اعتراض شان را نسبت به عدم پرداخت ۱۲ ماه حقوق به نمایش گذاشتند و بدین ترتیب اولین اعتراض کارگری سال ۱۳۹۶ را رقم زدند.

*روز پنجشنبه ۳ فروردین، اهالی منطقه چهاردانگه مازندران با اعتراض به مساله انتقال ۱۱ ساله زباله ساری در این منطقه تجمع کردند و مانع انتقال زباله ساری به چهار دانگه شدند و دو یا سه کامیون حمل زباله به ساری برگشت داده شد. به گزارش فارس، تجمع کنندگان با اعلام اینکه انتقال و دفن نامناسب زباله باعث آلودگی شدید زیست محیطی منطقه شده، اعلام کردند: باید زمینه توقف زباله ساری به این منطقه فراهم شود.

*به گزارش ایلنا، روز شنبه ۵ فروردین، همزمان با سفرحسن روحانی به کردستان، جمعی از کارگران بیکار شده کارخانه فولاد زاگرس مقابل ساختمان استانداری تجمع کردند. یکی از کارگران درباره پیشینه مشکلات کارگران فولاد زاگرس گفت: سه سال است کارخانه فولاد زاگرس با حدود ۴۰۰ کارگر تعطیل شده اما هنوز هیچ یک از اعضای هیات دولت در سفرهای شان به استان کردستان برای حل مشکلاتمان اقدامی انجام نداده اند.

*روز یکشنبه ۶ فروردین، جمعی از کارگران مجتمع کشت و صنعت نیشکر میان آب در اعتراض نسبت به وضعیت استخدامی خود برای دومین روز متوالی مقابل ساختمان مجتمع کشت و صنعت میان آب تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران معترض خواهان تثبیت موقعیت شغلی خود هستند.

*ظهر روز سه شنبه ۸ فروردین، عشایر محدوده نشین کشت و صنعت مغان در اعتراض به عدم تعیین و تکلیف و محروم از امکانات اولیه زندگی در مقابل فرمانداری شهرستان پارس آباد تجمع کردند. به گزارش آران ارمغان، در این تجمع که جمعی از اهالی روستاهای نجف کندی، موسی لو، هزار کندی، صفرلو و ... نسبت به عدم دسترسی به امکانات اولیه زندگی و عدم اجرای طرح هادی اعتراض کردند.

*روز دوشنبه ۱۴ فروردین، جمعی از کارگران چوب و فلز اردکان (چوفا) در اعتراض به بیکارشدن، به دنبال تعطیلی کارخانه و عدم پرداخت ۳ ماه حقوق و عیدی دست به تجمع مقابل فرمانداری اردکان زدند. به گزارش ایلنا، کارگران معترض این شرکت تولیدی با اعتراض مقابل فرمانداری خواستار پاسخ مسئولان در مقابل تعطیلی کارخانه و عدم پرداخت حقوق و مزایای خود شدند.

*تعدادی از کارگران اخراجی خدمات و فضای سبز یک شرکت پیمانکاری طرف قرارداد با دانشگاه صنعتی جندی شاپور با تجمع مقابل درب فرمانداری خواستار بازگشت به کار شدند. به گزارش ایرنا، نماینده این کارگران به خبرنگاران گفت: تیرماه پارسال از سوی پیمانکار طرف قرارداد دانشگاه صنعتی جندی شاپور دزفول اخراج شدیم، در حالی که هر کدام از کارگران بین ۱۰ تا ۱۷ سال سابقه کار و متاهل و دارای فرزند هستند.

*روز سه شنبه ۱۵ فروردین، جمعی از اعضای کتابخانه مرکزی یاسوج در اعتراض به کاهش ساعت مطالعه مقابل استانداری کهگیلویه و بویراحمد تجمع کردند. به گزارش ریواس جنوب، یکی از این تجمع کنندگان گفت: چرا با برخی از تصمیمهای غیرکارشناسی مانع افزایش ساعت مطالعه در جامعه می شود و تنها خواسته ما افزایش ساعت مطالعه است.

*روز چهارشنبه ۱۶ فروردین، رانندگان خودروهای لجن کش شهر بابل برای سومین روز متوالی دست از کار کشیدند و با نصب پارچه نوشته هائی بر شیشه خودروهای شان خواستار تعیین مکان مشخصی برای تخلیه فاضلاب شدند. به گزارش ایرنا، این رانندگان در جنب بازار روز بابل خودروهای شان را پارک کرده و خواستار رفع مشکل مکان تخلیه فاضلاب شدند.

*روز چهارشنبه ۱۶ فروردین، اعتصاب چند روزه رانندگان کامیونهای حمل فرآورده های نفتی در منطقه اصفهان پایان یافت. به گزارش فارس، رانندگان با اجرای طرح عقد قرارداد با پیمانکاران مخالفت کردند. به گفته مدیر عامل شرکت پخش فرآورده های نفتی منطقه اصفهان با صحبت های صورت گرفته، روند کار به حالت عادی بازگشته و کامیون های حمل فرآورده های نفتی همانند سابق به کار خود ادامه خواهند داد.



*روز پنجشنبه ۱۷ فروردین، رانندگان تاکسی و سرویس مدارس منطقه آسارا استان البرز برای سومین روز متوالی دست به اعتصاب زدند. به گزارش البرز تابناک، سرویس مدارس یکی از مشکلات همیشگی مدارس و والدین بوده و بسیاری از مدارس با عقد قراردادی تعدادی خودرو در اختیار می گیرند که معمولاً از نظر ایمنی درجه پایینی دارند.

*روز شنبه ۱۹ فروردین، کارگران کارخانه چوب و فلز اردکان (چوفا) در ادامه اعتراضات شان نسبت به بیکاری و عدم پرداخت مطالبات شان دست به تجمع مقابل دفتر نماینده مجلس زدند. به گزارش ایلنا، یکی از کارگران حاضر در تجمع گفت: اعتصاب و اعتراضمان در تجمع مقابل فرماندای شهرستان، اداره کار و امور اجتماعی در روز ۱۴ فروردین و امروز در دفتر نماینده شهرستان همچنان بی نتیجه مانده است.

*روز شنبه ۱۹ فروردین، کارگران کارخانه قند ممسنی شهرستان رستم، یکی از شهرستانهای تازه بنیاد استان فارس، برای چندمین بار در اعتراض به تعطیلی کارخانه و عدم پرداخت حقوق و حق بیمه جلوی این کارخانه تجمع کردند. به گزارش دیار ممسنی، معاون فرمانداری شهرستان رستم در جمع این کارگران حضور پیدا کرد و وعده پیگیری داد اما به نظر می رسد گره این کارخانه آنقدر کور باشد که باز کردن آن کار حضرت فیل باشد.

*روز یکشنبه ۲۰ فروردین، کارگران آب و فاضلاب اهواز با تجمع مقابل این شرکت خواهان تبدیل وضعیت از نیروی حجمی به قراردادی شدند. به گزارش ایرنا، یکی از کارگران معترض که خواست نامش فاش نشود گفت: ما تعدادی از کارگران با سابقه ۱۸ و ۱۹ ساله در پستهای سازمانی اپراتور، نگهبان و عمران، تاسیسات، فاضلاب و سپتیک مشغول به انجام وظیفه هستیم که با عنوان نیروی حجمی در کنار سایر کارگران قراردادی این شرکت مشغول به کاریم با این تفاوت که آنها مزایای قانون کار رادریافت می کنند اما ما به عنوان کارگران حجمی از این مزایا محروم هستیم.

*روز یکشنبه ۲۰ فروردین، کارگران شرکت خودروسازی مدیران خودرو در اعتراض به طولانی بودن ساعات کاری و حقوق کم روبروی مسجد جامع بم تجمع کردند. به گزارش تسنیم، این شرکت حتی در تعطیلات رسمی هم فراخوان کار می دهد و کارگران اجازه اعتراض به این مساله را هم ندارند. یکی از این کارگران گفت: مدیران ارشد این شرکت در شهرستان حضور ندارند و همگی در تهران هستند و تنها کسی که در بم کارگران می توانند به او مراجعه کنند مدیر منابع انسانی است اما وی نیز به مشکلات کارگران توجهی نمی کن.

*روز یکشنبه ۲۰ فروردین، جمعی از رانندگان خدمات شهری منطقه ۲ شهرداری آبادان در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات شان مقابل فرمانداری این شهرستان تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این رانندگان عنوان کردند: حدود یک سال برای کارکرد ماشین آلات از قبیل لودر، بولدرز و کامیون، از شهرداری منطقه ۲ آبادان طلبکاریم ولی تاکنون شهرداری هیچ پرداختی نداشته است.

*روز یکشنبه ۲۰ فروردین، مالباختگان پروژه مسکونی آریانا در اعتراض به بلاتکلیفی ۶ ساله، مقابل ساختمان فرمانداری شهر ری تجمع کردند. به گزارش تسنیم، خریداران پروژه مسکونی آریانا واقع در ورودی شهر ری در اعتراض به بلاتکلیفی ۶ ساله و عدم توجه سازنده این طرح به خواسته های آنها مقابل ساختمان فرمانداری شهر ری تجمع کردند.

*روز شنبه ۱۹ فروردین، صدها تن از کارگران پالایشگاه گاز بیدبلند ۲ در اعتراض به اخراج شان از کار توسط فرماندار بهبهان و برای بازگشت به کار برای سومین روز متوالی مقابل فرمانداری شهرستان بهمنی تجمع کردند. به گزارش عصر بهبهان، کارگران اخراجی بعد از اقدام ناشیانه فرماندار بهبهان مقابل فرمانداری بهمنی تجمع کردند و خواهان بازگشت به کار شدند. کارگران اخراجی و شاغل این پالایشگاه با همراهی جوانان متقاضی کار در راه دست یابی به مطالبات شان مسیر تردد به شرکت را مسدود کردند. به دستور مدیر عامل و فرماندار شهرستان بهبهان، پروژه این پالایشگاه تا اطلاع ثانوی تعطیل شد.

روز دوشنبه ۲۱ فروردین، برای پنجمین روز متوالی، کارگران پالایشگاه بیدبلند ۲ و جوانان متقاضی کار در این منطقه به تجمع شان مقابل مجتمع ادامه دادند.

*روز یکشنبه ۲۰ فروردین، صدها کارگزار صندوق بیمه کشاورزی سراسر کشور برای تبدیل وضعیت، مقابل سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور تجمع کردند. به گزارش ایلنا، مهمترین خواسته این کارگزاران که به طور متوسط ده تا دوازده سال سابقه کار دارند، تعیین تکلیف شغلی و عقد قرارداد مستقیم با صندوق بیمه کشاورزی است. روز دوشنبه ۲۱ فروردین، تجمع کارگزاران صندوق بیمه کشاورزی برای دومین روز پیاپی مقابل مجلس برگزار شد.

*روز دوشنبه ۲۱ فروردین، کارگران آی. تی. آی در شیراز به دنبال توحالی درآمدن وعده های صاحبان کارخانه مبنی بر پرداخت مطالبات شان مقابل کارخانه تجمع کردند. به گزارش تسنیم، کارگران معترض گفتند: این بار تا گرفتن حق خود

همچنان به تجمع در مقابل کارخانه ادامه می‌دهیم. در تیرماه سال گذشته صاحبان کارخانه طی جلسه ای به کارگران قول دادند که مطالبات کارگران را طی ۱۸ ماه و هر ماه با پرداخت ۲ تا ۳ میلیارد تومان تسویه کنند اما قول آنها تاکنون عملی نشده است.

*روز چهارشنبه ۱۶ فروردین، جمعی از کارگران کارخانه روغن نباتی قو در اعتراض به عدم پرداخت ۲ ماه حقوق و عیدی برای سومین روز متوالی دست به تجمع زدند. به گزارش ایلنا، کارگران روغن نباتی قو پیش از این در اسفند سال ۹۵ تجمعی اعتراضی مقابل دفتر سهام دار عمده این کارخانه برگزار کرده بودند. روز دوشنبه ۲۱ فروردین، کارگران کارخانه روغن نباتی قو برای هفتمین روز در محوطه کارخانه روغن نباتی قو تجمع کردند. در این روز کارگران با پلاکارد های «بابا دیگر نان ندارد» و «نان دغدغه کارگر» به تجمع شان ادامه دادند.

*روز دوشنبه ۲۱ فروردین، کارکنان منطقه ویژه اقتصادی بوشهر در اعتراض به عدم پرداخت ۳ ماه حقوق و عیدی در محوطه این منطقه تجمع اعتراض آمیز برگزار کردند. به گزارش گام نیوز، تقریباً ۲۰ ماه است که گمرک از ورود کانتینر به منطقه ویژه جلوگیری می کند و این فشارهای اقتصادی وارد شده به منطقه ویژه به علت عدم تخصیص کانتینر از سوی گمرک استان بوشهر که منبع اصلی درآمد منطقه ویژه است موجب شده تا کارکنان آن بیش از سه ماه حقوق معوقه خود و عیدی پایان سال را دریافت نکنند.

*روز دوشنبه ۲۱ فروردین، کارگران بیکار شده معدن سرب و روی انگوران از بخشهای شهرستان ماه نشان در استان زنجان و متقاضیان کار منطقه با تجمع مقابل مجتمع و مسدود کردن مسیر تردد وسایل نقلیه مانع بارگیری کامیونها شدند. به گزارش فارس،

علت بیکاری مردم روستای قلعه جوق واقع در ۲ کیلومتری معدن انگوران از بین بردن زمینهای کشاورزی است. به گزارش شمیم ماهنشان، روز سه شنبه ۲۲ فروردین، کارگران بیکار شده این معدن و بیکاران روستاهای ساغرچی، شیخلر و به خصوص قلعه جوق سادات برای دومین روز مسیر ارتباطی معدن انگوران را بسته و مانع تردد و بارگیری کامیونها شدند.

*صبح روز دوشنبه ۲۱ فروردین، ساکنان منطقه سبزدشت (شهرستان بافق) به منظور رسیدگی به مشکلات جاده گزوییّه مقابل اداره محیط زیست استان یزد تجمع کردند. به گزارش بافق خبر، به دلیل مشکلاتی که کشاورزان در محل خود داشتند، باهم یک صدا و هم نوا شدند و تکمیل جاده گزوییّه را فریاد زدند و از مسئولان ذیربط خواستار پیگیری تا حصول نتیجه شدند.

*روز دوشنبه ۲۱ فروردین، رانندگان تاکسیهای عمومی زرد متعلق به حمل و نقل همگانی شهرداری اسفراین در شمال غربی استان خراسان شمالی، در اعتراض به مصوبه شورای ترافیک این شهرستان اعتصاب کردند. به گزارش سپهرآیین، شهردار اسفراین با اشاره به اعتصاب رانندگان تاکسی گفت: پیش از این با مصوبه شورای ترافیک شهرستان اسفراین ساماندهی حمل و نقل همگانی شهری در دستور کار قرار گرفت.

*روز چهارشنبه ۲۳ فروردین، کارگران بیکار شده کارخانه قند ممسنی در اعتراض به بیکار شدن و عدم پرداخت ماهها حقوق، حق بیمه و دیگر مطالبات شان برای دومین بار در یک هفته، در شهر رستم در استان فارس راهپیمایی کردند و با حرکت از کارخانه، مقابل فرمانداری اجتماع کردند و با سر دادن شعار «منزلت، معیشت حق مسلم ماست» اعتراض شان را بنمایش گذاشتند. به گزارش نور آنلاین، فرماندار شهرستان رستم با حضور در بین کارگران گفت: ما آماده همکاری با

کارخانه قند هستیم اما مسئولان و هیات مدیره کارخانه ورود نمی کنند و تا زمانی که آنها نیابند این مسائل حل نمی شود.

*به گزارش تسنیم، بعد از ظهر روز پنج شنبه ۲۴ فروردین، اهالی ورامین در اعتراض به عدم تکمیل مسیر تخریب شده عبوری قطار در مسیر حرکت قطار تهران- مشهد، این مسیر را مسدود کردند. در تابلو اعتراضی که در دست برخی از این افراد قرار داشت، نوشته شده: ما اهالی و ساکنان «باغ صالح» از مسئولان به دلیل عدم رسیدگی به مشکلات زیر گذر که ۵ ماه راه عبور و مرور را مسدود نموده است شکایت داریم. این تابلو اعتراضی می افزاید: هیچکدام از نهادهای مربوط (شهرداری، فرمانداری و راه آهن) پاسخگو نمی باشند، چه کسی پاسخگو است.

*روز شنبه ۲۶ فروردین، جمعی از کارگران قراردادی کارخانه پارسیلون خرم آباد در اعتراض به عدم پرداخت ماهها مطالبات شان و برای بازگشت به کار برای باری دیگر دست به تجمع مقابل استانداری لرستان زدند. به گزارش مهر، یکی از کارگران کارخانه در سخنانی با بیان اینکه تعدادی از کارگران این کارخانه قرار دادی هستند گفت: حدود هشت سال است که مطالبات ما پرداخت نشده است. وی با بیان اینکه هر کدام از کارگران قرار دادی پارسیلون حدود هشت تا ۱۲ میلیون تومان از کارخانه طلب دارند گفت: امروز نیز برای پرداخت مطالبات خود در استانداری لرستان حضور پیدا کرده ایم.

*روز شنبه ۲۶ فروردین، اهالی محله هلالی بوشهر در اعتراض به تخریب بخشی از پارک محله دست به تجمع زدند. به گزارش گام نیوز، شهرداری شهر بوشهر با حفر و تخریب بخشی از پارک محله هلالی این شهر موجب اعتراض ساکنان این محله شد.

شهرداری با تخریب بخشی از این پارک قصد ساختمانی را در آن دارد که این موضوع سبب می شود که تنها پارک این محله، طبیعت زیبای خود را از دست دهد.

*عصر روز شنبه ۲۶ فروردین، جوانان دستفروش بازار ته لنجیهای آبادان در اعتراض به شهرداری آبادان نسبت به جمع آوری و وعده های دروغین تحت لوای طرح ساماندهی، دست به راهپیمایی و تجمع در خیابان خمینی این شهر زدند. به گزارش ایرنا، دستفروشان به خبرنگاران گفتند: شهرداری در حالی اقدام به جمع آوری دست فروشان از خیابان خمینی کرده که برای همه آنها غرفه هایی در بازار دست فروشان تدارک ندیده است.

*روز شنبه ۲۶ فروردین، کارگران تینکرهای خمیری کانی مس از شرکتهای پیمانکاری معدن مس سرچشمه در اعتراض به عدم تبدیل وضعیت و برای قرارداد مستقیم مقابل معدن مس سرچشمه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این کارگران گفتند: از ۵ سال پیش به صورت کارگر پیمانکاری در شرکت تینکرهای خمیری کانی مس متعلق به معدن مس سرچشمه مشغول به کار شدیم و حالا پس از گذشت این مدت خواهان تبدیل وضعیت و انعقاد قرارداد مستقیم با معدن مس سرچشمه هستیم.

*روز یکشنبه ۲۷ فروردین، جمعی از کارگران اخراجی کارخانه روغن نباتی جهان برای پیگیری وضعیت شغلی شان در اداره کار زنجان تجمع کردند اما پاسخ روشنی به خواسته های آنان داده نشده است. به گزارش ایلنا، دلیل اخراج این ۱۶۰ کارگر اعلام عدم نیاز و کمبود مواد اولیه از جانب کارفرما عنوان شده است.

*روز یکشنبه ۲۷ فروردین، جمعی از مردم اشکذر در استان یزد در اعتراض به افزایش الودگی هوای ناشی از گسترش صنایع در محدوده این شهرستان مقابل فرمانداری این شهر تجمع کردند. به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، تجمع

کنندگان که بیشتر زنان بودند با در دست داشتن پارچه نوشته هایی خواستار توقف استقرار صنایع الاینده در این شهر شدند. به گفته معترضان الودگی هوا در این شهرستان افزایش بسیاری از بیماریهای تنفسی و سرطانها را بدنبال داشته است

*ظهر روز یکشنبه ۲۷ فروردین، تعدادی از مالباختگان پروژه نگین غرب مقابل مجلس تجمع کرده و خواستار رسیدگی به پرونده ۱۶ ساله خود شدند. به گزارش خبرگزاری مجلس، ماجرای «پروژه نگین غرب» از سال ۱۳۷۹ و در پی انتشار آگهی پیش فروش واحدهای تجاری و مسکونی مجتمع نگین غرب انجمن انبوه سازان شفق آغاز شد. هزاران نفر اقدام به سرمایه گذاری در این مجتمع کردند که قرار بود ساختمانهای پیش فروش شده طی ۲۴ ماه به متقاضیان واگذار شود، امری که البته پس از گذشت چند سال از زمان مقرر هنوز محقق نشده است.

*ظهر روز یکشنبه ۲۷ فروردین، کارگران کارخانه زامیاد (زیر مجموعه سایپا) برای افزایش دستمزد دست به تحریم غذا زدند و از رفتن به رستوران کارخانه خودداری کردند. به گزارش فارس، کارکنان زحمت کش شرکت زامیاد تعلتم کردند که؛ ما کارگران زامیاد پس از سالها تحمل فقر اقتصادی و تحمل سخت ترین شرایط زندگی اینک گرد هم آمده ایم تا به خواسته های به حق خودمان برسیم. خواسته ما رسیدن به حقوق و مزایای شرکتهای هم طراز نظیر سایپا، سازه گستر سایپا و پارس خودرو است.

*روز دوشنبه ۲۸ فروردین، تعدادی از متقاضیان مسکن مهر در اعتراض به طولانی شدن روند تکمیل و تحویل واحدهای خود و عدم تحقق وعده های داده شده مقابل ساختمان شرکت عمران پردیس تجمع کردند. به گزارش تسنیم، آنها پلارکاردهایی با مضمون «عمران نابسامان، تموم شده صبرمان»، «خیانت در امانت»، «وزارت راه به فکر انبوه سازان، انبوه سازان به فکر جیبشان» و ... در دست داشتند.

*صبح روز سه شنبه ۲۹ فروردین، تعدادی از کارگران بازنشسته ذوب آهن اصفهان در اعتراض به قطع بیمه خدمات درمانی مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی فولاد در تهران تجمع کردند. به گزارش تسنیم، بازنشستگان معترض صنعت فولاد، سپس مقابل وزارت کار اجتماع کردند. کارگران بازنشسته ذوب آهن با سر دادن شعار «یک اختلاس کم بشه، بیمه ما حل میشه» خشم خود را به نمایش گذاشتند.

*ظهر روز سه شنبه ۲۹ فروردین، جمعی از کارگران شرکت شیر پاستوریزه تهران دست به یک تجمع اعتراضی در تقاطع خیابان ولیعصر جامی زدند که با دخالت نیروی انتظامی خاتمه پیدا کرد. به گزارش تسنیم، تجمع کنندگان با در دست داشتن دست نوشته هایی خواستار رسیدگی به وضعیت مشکلات خود در این واحد تولیدی شدند.

*روز شنبه ۲۶ فروردین، کارگران بازنشسته کارخانه مخابرات راه دور شیراز (I.T.I) در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات مزدی و سنوات بازنشستگی مقابل استانداری استان فارس تجمع کردند. به گزارش ایلنا، یکی از این کارگران گفت: مدیران این کارخانه صنعتی تولید کننده محصولات مخابراتی پرداخت مطالبات ما را به دست فراموشی سپرده اند. تعداد بازنشستگان این کارخانه که با مشکلات معیشتی از بابت عدم پرداخت مطالبات، دست و پنجه نرم می کنند بیش از ۱۲۰۰ نفر است.

روز دوشنبه ۲۸ فروردین، کارگران بازنشسته کارخانه مخابرات راه دور شیراز (I.T.I) دو باره درمقابل استانداری تجمع کردند.

روز سه شنبه ۲۹ فروردین، صدها تن از کارگران بازنشسته کارخانه مخابرات راه دور شیراز (I.T.I) برای سومین روز مقابل استانداری استان فارس تجمع کردند.

*روز یکشنبه ۲۷ فروردین، رانندگان اتوبوسهای درون شهری کرمانشاه دست به اعتصاب زدند. اعتصاب رانندگان اتوبوسرانی در کرمانشاه وضعیت حمل و نقل شهر را مختل کرد. به گزارش تسنیم، این رانندگان دلیل اعتراض خود را وضعیت نابسامان یارانه، مسافتهای طولانی و پرهزینه بودن بودن تعمیرات اتوبوسها اعلام کردند.

روز سه شنبه ۲۹ فروردین، رانندگان اتوبوس درون شهری کرمانشاه در ادامه اعتراضات شان برای دومین بار مقابل استانداری تجمع کردند.

*صبح روز سه شنبه ۲۹ فروردین، جمعی از دامداران و کشاورزان شهرستان کوهدشت در استان لرستان برای اعتراض به تخریب اراضی ملی مقابل فرمانداری تجمع کردند. به گزارش سفیر افلاک، این دامداران و کشاورزان در اعتراض به بی توجهی مسئولان، تجمع اعتراض آمیز برگزار و زنجیره ی انسانی تشکیل دادند. آنها در این تجمع، با حمل پلاکاردهایی خواستار توجه مسئولان به حفظ منابع طبیعی منطقه شدند.

*روز چهارشنبه ۳۰ فروردین، جمعی از کارگران بازنشسته و اخراجی کارخانه قند یاسوج به همراه خانواده های شان در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات شان و تخلیه خانه سازمانی دست به تجمع مقابل استانداری و ستاد خبری اداره اطلاعات زدند. به گزارش کبنا نیوز، حدود ۱۲۰ نفر از کارگران و بازنشستگان کارخانه قند یاسوج دو سال مطالبات معوق از این کارخانه دارند و مطالبات هر کارگر و بازنشسته حدود ۵۰ تا ۱۰۰ میلیون است.

*صبح روز چهارشنبه ۳۰ فروردین، جمعی از کارگران شهرداری منطقه ۵ اهواز در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق و دیگر مطالبات شان مقابل ساختمان این شهرداری تجمع کردند. به گزارش ایرنا، در پی این تجمع شهردار این منطقه گفت: حقوق یک ماه کارگران تا فردا پنجشنبه پرداخت می شود.

*بعد از ظهر روز چهارشنبه ۳۰ فروردین، در اعتراض به حادثه مرگ ۲ موتورسوار در جاده مرگبار گهرباران شهرستان میاندورود در استان مازندران، مردم و جوانان ناراضی از وضعیت محور گهرباران، در حاشیه جاده نزدیکی روستای طبقده تجمع و اقدام به مسدود این جاده کردند و خواستار رسیدگی مسؤولان به مرگ هم‌طنانمان در این جاده شدند. به گزارش فارس، پیگیری قانونی مردم در سالهای گذشته هیچ نتیجه ای نداشته و به خاطر مرگ تعداد زیادی از مردم، اهالی منطقه برای چندمین مرتبه اقدام به مسدود کردن جاده مرگبار گهرباران کردند.

*روز چهارشنبه ۳۰ فروردین، اهالی خرم آباد در اعتراض به مصوبه شورای شهر و شهرداری خرم آباد برای ساختمان سازی به نام بازنشستگان در محل پارک معلم خرم تجمع کرد. به گزارش خبرآنلاین، به علت اعتراض تعدادی از انجمنهای زیست محیطی و بازنشستگان این اقدام لغو گردید.

*روز یکشنبه ۲۷ فروردین، جمعی از کارگران بازنشسته کارخانه رنگین نخ سمنان در اعتراض به آنچه بلا تکلیفی چندین ساله در دریافت مطالبات سنواتی و مزدی مقابل ساختمان فرمانداری و استانداری سمنان تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارخانه رنگین نخ سمنان در حال حاضر تعطیل شده است اما تا پیش از این در بخشهای مختلف آن حدود ۵۵ کارگر رسمی و ۲۰ کارگر قراردادی مشغول کار بودند. روز چهارشنبه ۳۰ فروردین، کارگران بازنشسته کارخانه رنگین نخ برای چهارمین روز به تجمع اعتراضی شان مقابل ساختمان فرمانداری سمنان ادامه دادند.

*به گزارش فارس، روز پنجشنبه ۳۱ فروردین، تعداد زیادی از مهندسان و اعضای سازمان نظام مهندسی در میدان فردوسی و در مقابل بانک شهر تجمع کرده و خواستار توجه مسئولان به سپرده گذاری که اعضای هیأت مدیره سابق انجام داده اند شده و اعلام کردند که باید تکلیف بازپس گیری و سپرده ۴۰ میلیارد تومانی بلوکه شده نزد این بانک هرچه سریعتر مشخص شود.

*روز پنجشنبه ۳۱ فروردین، صدها نفر از دستفروشان سنج در اعتراض به تغییر و کاهش ساعت کسب و کارشان مقابل شهرداری مرکزی تجمع کردند و خواهان تجدید نظر در تصمیم شهرداری شدند. به گزارش کردپرس، دستفروشان معترض می گفتند؛ به دلیل نبود رفت و آمد در این ساعتها، اجناس شان به فروش نمی رود و این تصمیم شهرداری موجب کاهش همان درآمد ناچیز و بخور و نمیرشان شده است.



شهدای فدایی در اردیبهشت ماه



رفقای فدایی: محمد کاظم سعادت، خلیل سلمانی نژاد، علی اکبر (فریدون) جعفری، مرضیه احمدی اسکویی، حبیب الله مومنی، محمود نمازی، منصور فرشیدی، هادی فرجاد، لادن آل آقا، مهوش حاتمی، شیرین معاضد (فضیلت کلام)، محمدرضا و احمدرضا قنبرپور، فرزاد دادگر، عزت غروی، ارژنگ و ناصر شایگان شام اسبی، فرهاد صدیقی پاشاکی، تورج اشتری (تلخستانی)، قربانعلی رزگار، جهانگیر باقرپور، بهروز ارمغانی، اسماعیل عابدی، زهره مدیرشانه چی، حسین فاطمی، محمود خرم آبادی، حبیب الله خسروشاهی برادران، مصطفی حسن پور اصیل شیرجو پُشت، فریده غروی،

رفقای شهید ارژنگ و ناصر شایگان شام اسبی

میترا بلبل صفت، عبدالله پنجه شاهی، علیرضا باصری، نسرين پنجه شاهی، هوشنگ اعظمی لرستانی، منوچهر حامدی، کمال کیانفر، امان الله ایمانی دارستانی، غلام عباس باقری، جهانگیر باقری پور، علی رضا (ناصر) بامری، زینب (طاهره) حیاتی، محسن رفعتی، احسان الله ایمانی، غلامحسین خاکباز، هیبت الله بهرامی سامانی، محسن بهکیش، ناصر بهرامی، رویا علی پناه فرد، کوروش پیروزی، ابوالقاسم تاجعلی، کریم تیمور زاده، منصور جابری، نبی جدیدی، وجیه الله چشم فروز، مقصود بیرام زاده، موسی مکاری، محمد علی حسنی، هوشنگ حنیفی، علی کرم داودی، محمد راکعی، مهشید معتصد کیوان، رضا نعمتی، کبرا حیدریان، مهدی حاتمی، مسعود دانیالی، فرشته گل انبریان و...از سال ۵۰ تاکنون، به دست رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

انتشارات تصویری



فیلم یادمان سی و نهمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

درهمبستگی با قیام رنگین کمان بیشماران

سخنران: زینت میرهاشمی

رستاخیز سیاهکل، خیزش بیشماران و مواضع ما

گفتگو و تبادل نظر: جعفر پویه و منصور امان

برنامه هنری: ترانه سرودهای به یاد ماندنی کارگاه هنر ایران

قیمت ۷ یورو (۱۰ دلار). این فیلم با سیستم آمریکا باید روی کامپیوتر دید



دو DVD در یک بسته

۱- فیلم کامل یادمان چهلمین سالگرد رستاخیز سیاهکل در گُلن - آلمان،

۲- چهلمین سالگرد حماسه سیاهکل در تلویزیونهای آسوسات، سیمای آزادی و تیشک

۹ ساعت در این مجموعه

قیمت: ۱۰ یورو یا ۱۵ دلار

برای دریافت این بسته با آدرس زیر تماس بگیرید



چهل و یکمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

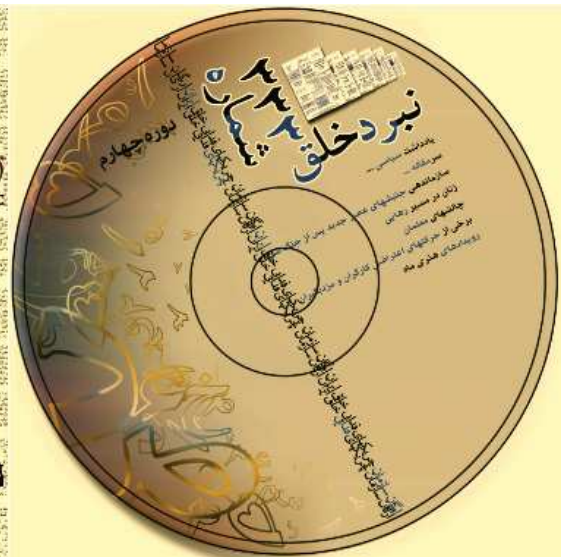
درهمبستگی با بهار عرب و جنبش اشغال وال استریت

سخنرانان: زینت میرهاشمی و مهرداد قادری

گفتگو و تبادل نظر با سخنرانان

برنامه هنری ترانه سروده‌های به یاد ماندنی کارگاه هنر ایران

قیمت ۷ یورو (۱۰ دلار). این فیلم با سیستم آمریکا باید روی کامپیوتر دید



۳۳۳ شماره نبرد خلق در یک سی دی

قیمت ۱۰ یورو ۱۵ دلار

NABARD - E - KHALGH

No : 383 21 Avril 2017

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

Price: \$ 1 – 1 euros

NABARD / B.P. 77 /91130 Ris orangis /FRANCE

NABARD /P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

[E.Mail: nabard@iran-nabard.com](mailto:nabard@iran-nabard.com)

Published by: NABARD CULTURAL ASSOCIATION

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز،

دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و جهان

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org